

## شیوه مطالعه این کتاب؛

کل مقررات قانون مدنی، همراه با قوانین خاص مربوط، در مجموع به شکل «قوانین حقوق مدنی» در نظم تطبیقی به نحو ذیل در این کتاب مورد تشریح ساده و فرمولاسیون قرار گرفته است. توصیه می‌گردد حتماً به همان روش نگارش کتاب، ابتدا نص قوانین با همان نظم تطبیقی مطالعه و سپس متن کتاب مطالعه شود و در نهایت به پرسش‌های انتهایی هر فصل پاسخ داده شود. مجدداً تأکید می‌گردد مواد قانونی کتاب حذف نشده و حتماً به همان نظمی که در کتاب آمده است مورد مطالعه قرار گیرد.

## این کتاب شامل

تشریح کل مواد قانون مدنی است؛

حقوق مدنی ۴	حقوق مدنی ۳	حقوق مدنی ۲	حقوق مدنی ۱
حقوق مدنی ۸	حقوق مدنی ۷	حقوق مدنی ۶	حقوق مدنی ۵

# فصول قانونی قانون مدنی \*

## مقدمه

در انتشار و آثار و اجرای قوانین به طور عموم .... مواد ۱۰-۱..... ص ۲۱ مقدمه

## جلد اول : در اموال

### کتاب اول - در بیان اموال و مالکیت به طور کلی

باب اول - در بیان انواع اموال..... ماده ۱۱..... ص ۴۱ مدنی ۲

فصل اول - در اموال غیر منقول..... مواد ۱۸-۱۲..... ص ۴۵ مدنی ۲

فصل دوم - در اموال منقوله..... مواد ۲۲-۱۹..... ص ۵۰ مدنی ۲

فصل سوم - در اموالی که مالک خاص ندارد.. مواد ۲۸-۲۳..... ص ۵۴ مدنی ۲

\* قانون مدنی ایران در سه دوره قانونگذاری ( ادوار ۶-۹-۱۰)؛ از ماده ۱ الی ماده ۹۵۵

در دوره ششم به موجب ماده واحده مصوب ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۰۷ تصویب و اجازه اجراء داده شده

و از ماده ۹۵۶ الی ماده ۱۲۰۶ در دوره نهم و از ماده ۱۲۰۷ الی ماده ۱۳۳۵ در دوره دهم در سال های

۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ به تصویب رسیده و بعداً نیز اصلاحاتی در آن انجام یافته که تمامی مفاد اصلاحی

در متن این کتاب تلفیق شده و با قوانین خاص مرتبط تطبیق گردیده است.

**باب دوم - در حقوق مختلفه که برای اشخاص نسبت به اموال حاصل می شود**

ماده ۲۹ ..... ص ۶۳ مدنی ۲

فصل اول - در مالکیت ..... مواد ۳۰-۳۰ ..... ص ۷۲ مدنی ۲

فصل دوم - در حق انتفاع ..... ماده ۴۰ ..... ص ۸۰ مدنی ۲

مبحث اول - در عمری، رقبی، سکنی ..... مواد ۵۴-۴۱ ..... ص ۸۱ مدنی ۲

مبحث دوم - در وقف ..... مواد ۹۱-۵۵ ..... ص ۸۹ مدنی ۲

مبحث سوم - در حق انتفاع از مباحات ..... ماده ۹۲ ..... ص ۱۱۰ مدنی ۲

فصل سوم - در حق ارتفاق

مبحث اول - در حق ارتفاق نسبت به ملک غیر ..... مواد ۱۰۸-۹۳ ..... ص ۱۱۱ مدنی ۲

مبحث دوم - در احکام و آثار املاک نسبت به املاک مجاور مواد ۱۳۵-۱۰۹ ..... ص ۱۱۷ مدنی ۲

مبحث سوم - در حریم املاک ..... مواد ۱۳۹-۱۳۶ ..... ص ۱۳۱ مدنی ۲

**کتاب دوم - در اسباب تملک**

ماده ۱۴۰ ..... ص ۱۴۱ مدنی ۲

قسمت اول: در احیاء اراضی موات و حیزت اشیاء مباحه

باب اول - در احیاء اراضی موات و مباحه ..... مواد ۱۴۵-۱۴۱ ..... ص ۱۴۲ مدنی ۲

باب دوم - در حیزت مباحات ..... مواد ۱۶۰-۱۴۶ ..... ص ۱۴۶ مدنی ۲

باب سوم - در معادن ..... ماده ۱۶۱ ..... ص ۱۵۱ مدنی ۲

باب چهارم - در اشیاء پیدا شده و حیوانات ضاله

فصل اول - در اشیاء پیدا شده ..... مواد ۱۶۹-۱۶۲ ..... ص ۱۵۲ مدنی ۲

فصل دوم - در حیوانات ضالّه ..... مواد ۱۷۲-۱۷۰ ..... ص ۱۵۵ مدنی ۲

باب پنجم - در دفینه ..... مواد ۱۷۸-۱۷۳ ..... ص ۱۵۶ مدنی ۲

باب ششم - در شکار ..... مواد ۱۸۲-۱۷۹ ..... ص ۱۵۸ مدنی ۲

**قسمت دوم: در عقود و معاملات و الزامات**

باب اول - در عقود و تعهدات بطور کلی ..... ماده ۱۸۳ ..... ص ۱۶۳ مدنی ۳

فصل اول - در اقسام عقود و معاملات ..... مواد ۱۸۹-۱۸۴ ..... ص ۱۶۶ مدنی ۳

فصل دوم - در شرایط اساسی برای صحت معامله ماده ۱۹۰ ..... ص ۱۷۳

- مبحث اول - در قصد طرفین و رضای آنها... مواد ۲۰۹-۱۹۱... ص ۱۷۴
- مبحث دوم - در اهلیت طرفین..... مواد ۲۱۳-۲۱۰... ص ۱۸۸
- مبحث سوم - در مورد معامله..... مواد ۲۱۶-۲۱۴... ص ۱۹۱ **مدنی ۳**
- مبحث چهارم - در جهت معامله..... مواد ۲۱۸-۲۱۷... ص ۱۹۲ **مدنی ۳**
- فصل سوم - در اثر معاملات
- مبحث اول - در قواعد عمومی..... مواد ۲۲۵-۲۱۹... ص ۱۹۹ **مدنی ۳**
- مبحث دوم - در خسارات حاصله از عدم اجرای تعهدات مواد ۲۳۰-۲۲۶... ص ۲۰۵ **مدنی ۳**
- مبحث سوم - در اثر عقود نسبت به اشخاص ثالث ماده ۲۳۱..... ص ۲۱۳ **مدنی ۳**
- فصل چهارم - در بیان شرایطی که در ضمن عقد می شود
- مبحث اول - در اقسام شرط..... مواد ۲۳۴-۲۳۲... ص ۲۱۹ **مدنی ۳**
- مبحث دوم - در احکام شرط..... مواد ۲۴۶-۲۳۵... ص ۲۲۴ **مدنی ۳**
- فصل پنجم - در معاملاتی که موضوع آن مال غیر است یا معاملات فضولی
- مواد ۲۶۳-۲۴۷... ص ۲۳۴ **مدنی ۳**
- فصل ششم - در سقوط تعهدات..... ماده ۲۶۴..... ص ۲۴۵ **مدنی ۳**
- مبحث اول - در وفای به عهد..... مواد ۲۸۲-۲۶۵... ص ۲۴۶ **مدنی ۳**
- مبحث دوم - در اقاله..... مواد ۲۸۸-۲۸۳... ص ۲۶۰ **مدنی ۳**
- مبحث سوم - در ابراء..... مواد ۲۹۱-۲۸۹... ص ۲۶۵ **مدنی ۳**
- مبحث چهارم - در تبدیل تعهد..... مواد ۲۹۳-۲۹۲... ص ۲۶۶ **مدنی ۳**
- مبحث پنجم - در تهاتر..... مواد ۲۹۹-۲۹۴... ص ۲۶۸ **مدنی ۳**
- مبحث ششم - مالکیت ما فی الذمه..... ماده ۳۰۰..... ص ۲۷۲ **مدنی ۳**
- باب دوم - در الزاماتی که بدون قرارداد حاصل می شود.
- فصل اول - کلیات..... مواد ۳۰۶-۳۰۱... ص ۲۷۹ **مدنی ۴**
- فصل دوم - در ضمان قهری..... ماده ۳۰۷..... ص ۲۸۴ **مدنی ۴**
- مبحث اول - در غصب..... مواد ۳۲۷-۳۰۸... ص ۲۸۵ **مدنی ۴**
- مبحث دوم - در اتلاف..... مواد ۳۳۰-۳۲۸... ص ۲۹۸ **مدنی ۴**
- مبحث سوم - در تسبیب..... مواد ۳۳۵-۳۳۱... ص ۳۰۴
- مبحث چهارم - در استیفاء..... مواد ۳۳۷-۳۳۶... ص ۳۴۰

## باب سوم - در عقود معینه مختلفه

### فصل اول - در بیع

- مبحث اول - در احکام بیع ..... مواد ۳۴۴-۳۳۸..... ص ۳۴۹ مدنی ۶
- مبحث دوم - در طرفین معامله ..... مواد ۳۴۷-۳۴۵..... ص ۳۶۴ مدنی ۶
- مبحث سوم - در مبیع ..... مواد ۳۶۱-۳۴۸..... ص ۳۶۶ مدنی ۶
- مبحث چهارم - در آثار بیع ..... ماده ۳۶۲..... ص ۳۷۴ مدنی ۶
- فقره اول - در ملکیت مبیع و ثمن ..... مواد ۳۶۶-۳۶۳..... ص ۳۷۵ مدنی ۶
- فقره دوم - در تسلیم ..... مواد ۳۸۹-۳۶۷..... ص ۳۷۸ مدنی ۶
- فقره سوم - در ضمان درک ..... مواد ۳۹۳-۳۹۰..... ص ۳۹۱ مدنی ۶
- فقره چهارم - در تأدیة ثمن ..... مواد ۳۹۵-۳۹۴..... ص ۳۹۳ مدنی ۶
- مبحث پنجم - در خیارات و احکام راجعه به آن
- فقره اول - در خیارات ..... ماده ۳۹۶..... ص ۳۹۵ مدنی ۶
- اول - در خیاری مجلس ..... ماده ۳۹۷..... ص ۳۹۸ مدنی ۶
- دوم - در خیاری حیوان ..... ماده ۳۹۸..... ص ۳۹۸ مدنی ۶
- سوم - در خیاری شرط ..... مواد ۴۰۱-۳۹۹..... ص ۳۹۹ مدنی ۶
- چهارم - در خیاری تأخیر ثمن ..... مواد ۴۰۹-۴۰۲..... ص ۴۰۱ مدنی ۶
- پنجم - در خیاری رؤیت و تخلف و صف ..... مواد ۴۱۵-۴۱۰..... ص ۴۰۳ مدنی ۶
- ششم - در خیاری غبن ..... مواد ۴۲۱-۴۱۶..... ص ۴۰۵ مدنی ۶
- هفتم - در خیاری عیب ..... مواد ۴۳۷-۴۲۲..... ص ۴۰۷ مدنی ۶
- هشتم - در خیاری تدلیس ..... مواد ۴۴۰-۴۳۸..... ص ۴۱۵ مدنی ۶
- نهم - در خیاری تبعض صفقه ..... مواد ۴۴۳-۴۴۱..... ص ۴۱۷ مدنی ۶
- دهم - در خیاری تخلف شرط ..... ماده ۴۴۴..... ص ۴۱۸ مدنی ۶
- فقره دوم - در احکام خیارات به طور کلی ..... مواد ۴۵۷-۴۴۵..... ص ۴۱۹ مدنی ۶
- فصل دوم - در بیع شرط ..... مواد ۴۶۳-۴۵۸..... ص ۴۲۲ مدنی ۶
- فصل سوم - در معاوضه ..... مواد ۴۶۵-۴۶۴..... ص ۴۲۵ مدنی ۶
- فصل چهارم - در اجاره ..... مواد ۴۶۷-۴۶۶..... ص ۴۲۷

- مبحث اول - دراجاره اشياء..... مواد ۵۰۶-۴۶۸...ص ۴۳۱
- مبحث دوم - دراجاره حيوانات..... مواد ۵۱۱-۵۰۷...ص ۴۷۰ مدنی ۶
- مبحث سوم - دراجاره اشخاص..... مواد ۵۱۳-۵۱۲...ص ۴۷۱ مدنی ۶
- فقره اول - دراجاره خدمه و کارگر..... مواد ۵۱۵-۵۱۴...ص ۴۷۲ مدنی ۶
- فقره دوم - در اجاره متصدی حمل و نقل..... مواد ۵۱۷-۵۱۶...ص ۴۷۳ مدنی ۶
- فصل پنجم - درمزارعه و مساقات
- مبحث اول - درمزارعه..... مواد ۵۴۲-۵۱۸...ص ۴۷۵ مدنی ۶
- مبحث دوم - درمساقات..... مواد ۵۴۵-۵۴۳...ص ۴۸۱ مدنی ۶
- فصل ششم - درمضاربه..... مواد ۵۶۰-۵۴۶...ص ۴۸۳ مدنی ۶
- فصل هفتم - در جعاله..... مواد ۵۷۰-۵۶۱...ص ۴۸۸ مدنی ۶
- فصل هشتم - در شرکت
- مبحث اول - در احکام شرکت..... مواد ۵۸۸-۵۷۱...ص ۴۹۱ مدنی ۷
- مبحث دوم - در تقسیم اموال شرکت..... مواد ۶۰۶-۵۸۹...ص ۴۹۹ مدنی ۷
- فصل نهم - در ودیعه
- مبحث اول - در کلیات..... مواد ۶۱۱-۶۰۷...ص ۵۰۸ مدنی ۷
- مبحث دوم - در تعهدات امین..... مواد ۶۳۲-۶۱۲...ص ۵۱۱ مدنی ۷
- مبحث سوم - در تعهدات امانت گذار..... مواد ۶۳۴-۶۳۳...ص ۵۱۶ مدنی ۷
- فصل دهم - در عاریه..... مواد ۶۴۷-۶۳۵...ص ۵۱۷ مدنی ۷
- فصل یازدهم - در قرض..... مواد ۶۵۳-۶۴۸...ص ۵۲۰ مدنی ۷
- فصل دوازدهم - در قمار و گرویندی..... مواد ۶۵۵-۶۵۴...ص ۵۲۲ مدنی ۷
- فصل سیزدهم - در وکالت
- مبحث اول - در کلیات..... مواد ۶۶۵-۶۵۶...ص ۵۲۵ مدنی ۷
- مبحث دوم - در تعهدات وکیل..... مواد ۶۷۳-۶۶۶...ص ۵۳۰ مدنی ۷
- مبحث سوم - در تعهدات موکل..... مواد ۶۷۷-۶۷۴...ص ۵۳۵ مدنی ۷
- مبحث چهارم - در طرق مختلفه انقضاء وکالت و مواد ۶۸۳-۶۷۸...ص ۵۳۷ مدنی ۷

### فصل چهاردهم - درضمان عقدی

- مبحث اول - در کلیات ..... مواد ۶۹۷-۶۸۴-۵۴۰ ص ۵۴۰
- مبحث دوم - در اثر ضمان بین ضامن و مضمون له ... مواد ۷۰۸-۶۹۸-۵۴۷ ص ۵۴۷ مدنی ۷
- مبحث سوم - در اثر ضمان بین ضامن و مضمون عنه. مواد ۷۲۰-۷۰۹-۵۵۰ ص ۵۵۰ مدنی ۷
- مبحث چهارم - در اثر ضمان بین ضامنین ..... مواد ۷۲۳-۷۲۱-۵۵۲ ص ۵۵۲ مدنی ۷
- فصل پانزدهم - در حواله ..... مواد ۷۳۳-۷۲۴-۵۵۳ ص ۵۵۳ مدنی ۷
- فصل شانزدهم - در کفالت ..... مواد ۷۵۱-۷۳۴-۵۵۷ ص ۵۵۷ مدنی ۷
- فصل هفدهم - در صلح ..... مواد ۷۷۰-۷۵۲-۵۶۲ ص ۵۶۲ مدنی ۷
- فصل هجدهم - در رهن ..... مواد ۷۹۴-۷۷۱-۵۶۷ ص ۵۶۷ مدنی ۷
- فصل نوزدهم - در هبه ..... مواد ۸۰۷-۷۹۵-۵۷۸ ص ۵۷۸ مدنی ۷

### قسمت سوم - در اخذ به شفعه

- در اخذ به شفعه ..... مواد ۸۰۸-۸۲۴-۵۹۱ ص ۵۹۱ مدنی ۸

### قسمت چهارم - در وصایا و ارث

#### باب اول - در وصایا

- فصل اول - در کلیات ..... مواد ۸۳۴-۸۲۵-۵۹۵ ص ۵۹۵ مدنی ۸
- فصل دوم - در موصی ..... مواد ۸۳۹-۸۳۵-۶۰۱ ص ۶۰۱ مدنی ۸
- فصل سوم - در موصی به ..... مواد ۸۴۹-۸۴۰-۶۰۲ ص ۶۰۲ مدنی ۸
- فصل چهارم - در موصی له ..... مواد ۸۵۳-۸۵۰-۶۰۵ ص ۶۰۵ مدنی ۸
- فصل پنجم - در وصی ..... مواد ۸۶۰-۸۵۴-۶۰۶ ص ۶۰۶ مدنی ۸

#### باب دوم - در ارث

- فصل اول - در موجبات ارث و طبقات مختلفه وراث ..... مواد ۸۶۶-۸۶۱-۶۰۷ ص ۶۰۷ مدنی ۸
- فصل دوم - در تحقق ارث ..... مواد ۸۷۴-۸۶۷-۶۰۸ ص ۶۰۸ مدنی ۸
- فصل سوم - در شرایط و جمله ای از موانع ارث ..... مواد ۸۸۵-۸۷۵-۶۱۵ ص ۶۱۵ مدنی ۸
- فصل چهارم - در حجب ..... مواد ۸۹۲-۸۸۶-۶۱۹ ص ۶۱۹ مدنی ۸
- فصل پنجم - در فرض و صاحبان فرض ..... مواد ۹۰۵-۸۹۳-۶۲۱ ص ۶۲۱ مدنی ۸
- فصل ششم - در سهم الارث طبقات مختلفه وراث

- مبحث اول - درسهم الارث طبقه اول..... مواد ۹۱۵-۹۰۶....ص ۶۲۳
- مبحث دوم - درسهم الارث طبقه دوم..... مواد ۹۲۷-۹۱۶....ص ۶۲۶ مدنی ۸
- مبحث سوم - درسهم الارث وارث طبقه سوم..... مواد ۹۳۹-۹۲۸....ص ۶۲۹ مدنی ۸
- مبحث چهارم - در میراث زوج و زوجه..... مواد ۹۴۹-۹۴۰....ص ۶۳۲ مدنی ۸

### کتاب سوم

- در مقررات مختلفه قانون مدنی..... مواد ۹۵۵-۹۵۰....ص ۶۳۶ مدنی ۱

### جلد دوم - در اشخاص

- کتاب اول - در کلیات..... مواد ۹۷۵-۹۵۶....ص ۶۳۹ مدنی ۱
- کتاب دوم - در تابعیت..... مواد ۹۹۱-۹۷۶....ص ۶۴۵ مدنی ۱
- کتاب سوم - در اسناد سجل احوال..... مواد ۱۰۰۱-۹۹۲....ص ۶۵۲ مدنی ۱
- کتاب چهارم - در اقامتگاه..... مواد ۱۰۱۰-۱۰۰۲....ص ۶۵۵ مدنی ۱
- کتاب پنجم - در غایب مفقود الاثر..... مواد ۱۰۳۰-۱۰۱۱....ص ۶۵۷ مدنی ۱
- کتاب ششم - در قرابت..... مواد ۱۰۳۳-۱۰۳۱....ص ۶۶۶ مدنی ۱

### کتاب هفتم - در نکاح و طلاق

#### باب اول - در نکاح

- فصل اول - درخواستگاری..... مواد ۱۰۴۰-۱۰۳۴....ص ۶۶۷ مدنی ۵
- فصل دوم - قابلیت صحی برای ازدواج..... مواد ۱۰۴۴-۱۰۴۱....ص ۶۶۸ مدنی ۵
- فصل سوم - در موانع نکاح..... مواد ۱۰۶۱-۱۰۴۵....ص ۶۷۰ مدنی ۵
- فصل چهارم - شرایط صحت نکاح..... مواد ۱۰۷۰-۱۰۶۲....ص ۶۷۳ مدنی ۵
- فصل پنجم - وکالت در نکاح..... مواد ۱۰۷۴-۱۰۷۱....ص ۶۷۵ مدنی ۵
- فصل ششم - در نکاح منقطع..... مواد ۱۰۷۷-۱۰۷۵....ص ۶۷۵ مدنی ۵
- فصل هفتم - در مهر..... مواد ۱۱۰۱-۱۰۷۸....ص ۶۷۶ مدنی ۵
- فصل هشتم - در حقوق و تکالیف زوجین..... مواد ۱۱۱۹-۱۱۰۲....ص ۶۸۳ مدنی ۵
- باب دوم - در انحلال عقد نکاح..... ماده ۱۱۲۰.....ص ۶۸۸ مدنی ۵
- فصل اول - در مورد امکان فسخ نکاح..... مواد ۱۱۳۲-۱۱۲۱....ص ۶۸۸

### فصل دوم - در طلاق

مبحث اول - در کلیات..... مواد ۱۱۴۲-۱۱۳۳.....ص ۶۹۲

مبحث دوم - در اقسام طلاق..... مواد ۱۱۴۹-۱۱۴۳.....ص ۶۹۳ مدنی ۵

مبحث سوم - در عده..... مواد ۱۱۵۷-۱۱۵۰.....ص ۶۹۵ مدنی ۵

#### کتاب هشتم - در اولاد

باب اول - در نسب..... مواد ۱۱۶۷-۱۱۵۸.....ص ۶۹۶ مدنی ۵

باب دوم - در نگاهداری و تربیت اطفال..... مواد ۱۱۷۹-۱۱۶۸.....ص ۶۹۸ مدنی ۵

باب سوم - در ولایت قهری پدر و جد پدری..... مواد ۱۱۹۴-۱۱۸۰.....ص ۷۰۰ مدنی ۵

#### کتاب نهم - در خانواده

فصل اول - در الزام به انفاق..... مواد ۱۲۰۶-۱۱۹۵.....ص ۷۰۲ مدنی ۵

#### کتاب دهم - در حجر و قیمومت

فصل اول - در کلیات..... مواد ۱۲۱۷-۱۲۰۷.....ص ۷۰۴ مدنی ۵

فصل دوم - در موارد نصب قیم و ترتیب آن..... مواد ۱۲۳۴-۱۲۱۸.....ص ۷۰۵ مدنی ۵

فصل سوم - در اختیارات و وظایف و مسئولیت قیم.. مواد ۱۲۴۷-۱۲۳۵.....ص ۷۱۱ مدنی ۵

فصل چهارم - در موارد عزل قیم..... مواد ۱۲۵۲-۱۲۴۸.....ص ۷۱۴ مدنی ۵

فصل پنجم - در خروج از تحت قیمومت..... مواد ۱۲۵۶-۱۲۵۳.....ص ۷۱۶ مدنی ۵

#### جلد سوم - در ادله اثبات دعوی

کلیات..... مواد ۱۲۵۸-۱۲۵۷.....ص ۷۲۱ ادله

کتاب اول - در اقرار

باب اول - در شرایط اقرار..... مواد ۱۲۷۴-۱۲۵۹.....ص ۷۲۷ ادله

باب دوم - در آثار اقرار..... مواد ۱۲۸۳-۱۲۷۵.....ص ۷۲۸ ادله

کتاب دوم - در اسناد..... مواد ۱۳۰۵-۱۲۸۴.....ص ۷۳۸ ادله

کتاب سوم - در شهادت «مواد ۱۳۰۸-۱۳۰۶ به موجب قانون اصلاحی ۱۳۷۰ حذف شده است» ادله

باب اول - در موارد شهادت..... مواد ۱۳۱۴-۱۳۰۹.....ص ۷۶۲ ادله

باب دوم - در شرایط شهادت..... مواد ۱۳۲۰-۱۳۱۵.....ص ۷۶۳ ادله

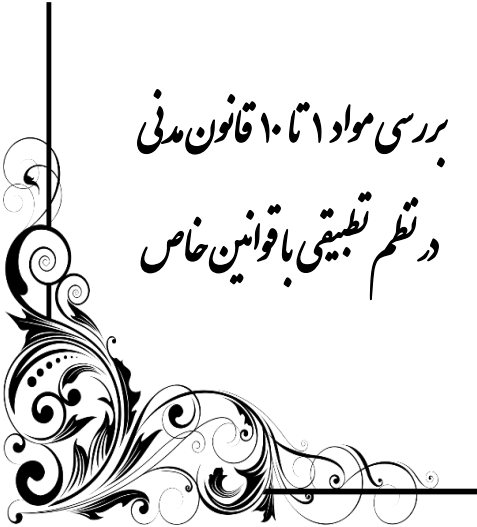
کتاب چهارم - در امارات..... مواد ۱۳۲۴-۱۳۲۱.....ص ۷۷۸ ادله

کتاب پنجم - در قسم..... مواد ۱۳۳۵-۱۳۲۵.....ص ۷۸۵ ادله



# مقدمه

بررسی مواد ۱ تا ۱۰ قانون مدنی  
در نظم تطبیقی با قوانین خاص



## مقدمه

### در انتشار و آثار و اجرای قوانین به طور عموم

**ماده ۱-** مصوبات مجلس شورای اسلامی و نتیجه همه‌پرسی، پس از طی مراحل قانونی به رئیس‌جمهور ابلاغ می‌شود. رئیس‌جمهور باید ظرف مدت پنج روز، آن را امضا و به مجریان ابلاغ نماید و دستور انتشار آن را صادر کند و روزنامه رسمی موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت پس از ابلاغ، منتشر نماید. (اصلاحی ۱۳۷۰/۸/۱۴)

**تبصره ۵-** در صورت استنکاف رئیس‌جمهور از امضا یا ابلاغ در مدت مذکور در این ماده، به دستور رئیس‌مجلس شورای اسلامی، روزنامه رسمی موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت، مصوبه را چاپ و منتشر نماید. (اصلاحی ۱۳۷۰/۸/۱۴)

#### قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۵۸ (اصلاحی ۱۳۶۸)

**اصل نود و چهارم؛** کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود. شورای نگهبان موظف است آن را حداکثر ظرف ده روز از تاریخ وصول از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آن را مغایر ببیند برای تجدید نظر به مجلس بازگرداند. در غیر این صورت مصوبه قابل اجرا است.

**اصل یکصد و دوازدهم؛** مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام، نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است به دستور رهبری تشکیل می‌شود. اعضاء ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می‌نماید. مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضاء تهیه و تصویب و به تایید مقام رهبری خواهد رسید.

### تصویب، امضاء و انتشار قانون؛

- موضوع ماده ۱ ق.م، «امضاء» ابلاغ و انتشار» قوانین مصوب است.
  - واژه «باید» در ماده مزبور، بیانگر اجباری بودن امضاء توسط رئیس جمهور است. پس اصل بر اجباری بودن امضاءست مگر اینکه تشریفات قانونی رعایت نشده باشد. (مستفاد از اصل ۱۲۳ ق.ا).
  - لزوم امضای قوانین، ناشی از اصل جدایی «قوه مقننه» و «قوه مجریه» است.  
(دکتر کاتوزیان - مقدمه علم حقوق - ش ۱۰۷)
  - جانشینی رئیس مجلس به جای رئیس جمهور، با اصل جدایی قوا مخالف است.  
(دکتر کاتوزیان - قانون مدنی در نظم کنونی - ص ۲۴)
  - تبصره ماده ۱ ق.م، یعنی جانشینی رئیس مجلس، با اصل تفکیک قوا در تعارض نیست.<sup>۱</sup>  
(دکتر جعفری لنگرودی - محشی قانون مدنی - ص ۱)
  - جانشینی رئیس مجلس در صورت استنکاف رئیس جمهور، شامل «امتناع از امضاء»، «امتناع از ابلاغ» و «امتناع از صدور دستور انتشار» در مهلت های قانونی پیش بینی شده است.
  - البته رئیس مجلس به هیچ وجه حق امضاء به جای رئیس جمهور را ندارد ولی نتیجه امضاء که دستور ابلاغ و انتشار است به وسیله رئیس مجلس می تواند صورت گیرد.
- مثال ساده؛** قانون «الزام دولت به پیگیری و استیفای حقوق اتباع و دیپلمات های ایرانی آسیب دیده از اقدامات دولت های خارجی» و قانون «شناسایی و حمایت از مصدومان شیمیایی» در پی عدم ابلاغ رئیس جمهور وقت در مهلت مقرر، توسط رئیس مجلس بدون آن که نیاز به امضا داشته باشد، ابلاغ شد. البته متعاقباً در روز بعد مجدداً توسط رئیس جمهور به دستگاه های اجرایی کشور ابلاغ گردید که قانوناً دیگر نیازی به آن نبوده است.
- به نظر می رسد در ماده ۱ ق.م، واژه «ابلاغ» به معنای اصطلاحی آن در قانون آیین دادرسی مدنی، مدنظر نباشد، بلکه مقصود از آن همان «ارسال» باشد. زیرا قانون مصوب، ابتدا نزد رئیس جمهور «ارسال» می شود و وی پس از امضاء، آن را با دستور انتشار نزد روزنامه رسمی «ارسال» می دارد.
  - می توان گفت «ابلاغ اصطلاحی» به معنای ابلاغ به «مخاطب» که اعم از «حقیقی یا حقوقی» است، در ماده ۱ ق.م؛ یک بار توسط رئیس جمهور به «دولت و مجریان» ابلاغ صورت می گیرد و یک بار هم توسط روزنامه رسمی به «عموم مردم» ابلاغ به عمل می آید.

۱ - «در تعارض بودن تبصره ماده ۱ ق.م با اصل تفکیک قوا»، نظر پذیرفته شده در سنجش های حقوقی است.

- در بررسی تطبیقی ذیل مشاهده می کنید که مقصود از «ابلاغ» در ماده ۱ ق.م و مواد ۶۸ تا ۷۷ ق.آ.د.م، «ابلاغ اصطلاحی» نیست، بلکه مراد از ابلاغ «ارسال» می باشد؛<sup>(۱)</sup>

«ارسال»	≠	«ابلاغ»
<p>«در ماده ۱ قانون مدنی؛ «رئیس جمهور» و «روزنامه رسمی» مخاطب ابلاغ نیستند، لذا قوانین جهت ابلاغ به مجریان و مردم، نزد آن‌ها «ارسال» می گردد و به خود آنان ابلاغ اصطلاحی صورت نمی گیرد. «در تبصره ۱ ماده ۶۸ و مواد ۷۱ و ۷۷ ق.آ.د.م؛ «رئیس کارمند»، «کارگزینی»، «مأموران کنسولی و سیاسی»، «مأموران نیروی انتظامی»، «بخشداری»، «شورای محل» و «اداره زندان» همگی مأموران ثانی ابلاغ به شمار می آیند و اوراق قضایی جهت ابلاغ به مخاطب، نزد آنان «ارسال» می شود و به خود آنان ابلاغ اصطلاحی صورت نمی گیرد.</p>		<p>«ابلاغ اصطلاحی» که در مواد ۶۷ تا ۸۳ ق.آ.م مورد تشریح قرار گرفته است، از ریشه «بَلَّغَ» به معنای رساندن اوراق قضایی به «مخاطب» می باشد که با وصول «خود مخاطب»، «ابلاغ واقعی» و الا «ابلاغ قانونی» صورت می گیرد.</p>

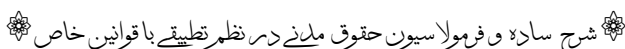
- برخی ضمانت اجرای امتناع ناموجه رئیس جمهور از مقررده ماده ۱ ق.م را نیز مشمول بند ۱۰ اصل ۱۱۰ ق.ا دانسته و معتقدند با امتناع ناموجه رئیس جمهور و اثبات تخلف وی در دیوان عالی کشور، رهبری می تواند با در نظر گرفتن مصالح کشور وی را عزل نماید. (دکتر هاشمی - حقوق اساسی - ص ۱۸۹)
- در پایان به جمع بندی فرمولاسیون تطبیقی ماده ۱ ق.م با مقررات خاص توجه فرمایید؛



### فرمولاسیون تطبیقی تصویب قوانین جمهوری اسلامی ایران

قانون مصوب	=	ارائه لایحه <sup>۱</sup> یا طرح <sup>۲</sup> + تصویب قانون + تأیید <sup>۳</sup> + روز ۵ امضای شورای + امضای ۵ روزه قانون	Σ <sup>۱</sup>
لازم الاجرائی	=	انتشار قانون در روزنامه رسمی ظرف ۳ روز (۷۲ ساعت) + انقضای ۱۵ روزه قانونی	Σ <sup>۲</sup>

- ۱ - جهت مطالعه بیشتر در زمینه تفاوت تطبیقی بین «ارسال» و «ابلاغ» رجوع فرمایید به؛ دکتر فلاح، علی، شرح ساده و فرمولاسیون آیین دادرسی مدنی در نظم تطبیقی، ج اول، ص ۲۲۳، نشر آکادمی حقوق.
- ۲ - «Σ» علامت «سیگما»، نماد فرمول های حقوقی ساده و ابداعی نویسنده در این کتاب است.
- ۳ - لوایح قانونی از سوی دولت و پس از تصویب هیأت وزیران تقدیم مجلس می گردد.
- ۴ - طرح های قانونی از سوی نمایندگان مجلس و به پیشنهاد و امضای حداقل ۱۵ نفر از آنان تقدیم مجلس می گردد.



**ماده ۲ -** قوانین پانزده روز پس از انتشار، در سراسر کشور لازم الاجرا است، مگر آنکه در خود قانون، ترتیب خاصی برای موقع اجرا مقرر شده باشد. (اصلاحی ۱۳۴۸/۸/۲۹)

<b>درنظم تطبیقی با قوانین خاص</b>	<p><b>قانون مستثنی بودن مصوبات مربوط به آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی</b> از موضوع ماده ۲ قانون مدنی مصوب (۱۳۷۲/۱۰/۷):</p> <p>ماده واحده - کلیه مصوبات راجع به آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، بلافاصله پس از تصویب نهایی لازم الاجراست. این حکم در مورد این ماده واحده نیز مجری خواهد بود.</p> <p><b>نظریه شماره: ۳۶۶۴/۷ مورخه ۱۳۸۰/۴/۲۶</b></p> <p>آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور از تاریخ صدور برای مراجع قضایی لازم الاتباع است و لزومی به انتشار آن در روزنامه رسمی همانند قانون نمی باشد و اگر هم در روزنامه رسمی منتشر می شوند جهت استحضار قضات و عموم مردم است.</p> <p><b>نظریه شماره ۷/۵۶۸۹ مورخ ۱۳۷۸/۸/۲</b></p> <p>عدم تصویب آیین نامه مانع اجرای قانون مصوب نیست مگر اینکه در خود قانون، اجرای آن موکول به تصویب آیین نامه شده باشد.</p> <p><b>نظریه شماره ۷/۷۴۷۷ مورخ ۱۳۷۷/۱۲/۱۱</b></p> <p>همین که موضوعی قانون شد لازم الاجرا می باشد و اعتدال اشخاص به جهل و بی سوادی رافع تکلیف نخواهد بود. (جهل به قانون رافع مسئولیت نیست)</p>
-----------------------------------	--

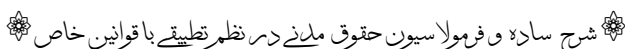
- اصولاً قوانین ۱۵ روز پس از انتشار، در سراسر کشور و خارج از کشور، لازم الاجرا است.
- **مثال ساده؛** اگر قانون در تاریخ ۱۴۰۰/۲/۱ در روزنامه رسمی منتشر شود از تاریخ ۱۴۰۰/۲/۱۷ لازم الاجرا است چرا که روز «انتشار» و روز «اقدام» محاسبه نمی گردد.
- دستور انتشار برای آیین نامه ها و تصویب نامه ها نیز به طریق اولی رعایت می شود، منتها هیچ تشریفات ندارد (انقضای مهلت پانزده روزه نمی خواهد) و دولت می تواند اجرای فوری آن ها را پس از انتشار مقرر دارد. لزوم انتشار و گذشتن مهلت برای اجرا درباره عموم مردم است و سازمان های دولتی تابع ابلاغ مقام های اداری هستند. بنابراین مأموری که آیین نامه برای اجرا به او ابلاغ شده است نمی تواند رعایت آن را به تأخیر اندازد، مگر اینکه با حقوق مردم ارتباط پیدا کند.
- اگر تصویب نامه ای مربوط به شخص یا سازمان خاصی باشد، ابلاغ به آن مرجع کافی است. (دکتر کاتوزیان - قانون مدنی درنظم کنونی - ص ۲۴)
- (دکتر کاتوزیان - مقدمه علم حقوق - ش ۱۱۰)

### ماده ۳ - انتشار قوانین باید در روزنامه رسمی به عمل آید.

در نظم تطبیقی با قوانین خاص	<p><b>نظریه شماره ۷/۵۷۵۶ مورخ ۱۳۷۶/۱۰/۱۶</b></p> <p>اگرچه در مواد ۲ و ۳ قانون مدنی فقط به لزوم انتشار قوانین اشاره شده و از آیین نامه و تصویب نامه ذکری به میان نیامده است، لیکن از آنجا که آیین نامه‌ها و تصویب نامه‌ها متمم و مکمل قانون به شمار می‌آیند، در صورتی که دارای جنبه عمومی باشند (وضع قاعده حق و تکلیف) به ملاک مواد ۲ و ۳ ق.م. و تبصره ۲ مصوبه مورخ ۱۳۶۶/۴/۲۴ هیأت وزیران در خصوص تاریخ لازم الاجرا شدن مصوبات هیأت وزرا که پانزده روز پس از انتشار در روزنامه رسمی اعلام گردیده، آیین نامه‌ها و تصویب نامه‌ها نیز باید در روزنامه رسمی درج گردد.</p>
-----------------------------	--

- حکم ضرورت انتشار، ناظر به انتشار قوانین به معنی خاص آن است و شامل آیین نامه و تصویب نامه نمی‌شود ولی رویه اداری این است که همه مقررات نوشته را در روزنامه رسمی چاپ و منتشر می‌کنند. (دکتر کاتوزیان - قانون مدنی در نظم کنونی - ص ۲۵)
  - تصویب نامه‌ها و آیین نامه‌ها فروع قانون به معنی اخص اند؛ پس مدت ۱۵ روز مذکور درباره آن‌ها هم رعایت می‌شود مگر در خود آن‌ها ترتیب دیگری مقرر شده باشد. (دکتر لنگریمی - محشی - ص ۲)
  - در مقام ایجاد وحدت نظر حقوق دانان با نظرات مشورتی و رویه‌های قضایی، می‌توان چنین برداشت کرد که تصویب نامه‌ها و آیین نامه‌ها نیز باید به هر حال در روزنامه رسمی منتشر شود اما اینکه لازم الاجرا بودن آن‌ها بستگی به انقضای مهلت پانزده روزه دارد یا خیر باید گفت اصولاً آن‌ها از زمان ابلاغ به همان مجریان و سازمان‌های مربوطه لازم‌الاتباع و لازم‌الاجرا هستند مگر اینکه با حقوق عامه مردم در ارتباط باشند که در این صورت همان انقضای مهلت پانزده روزه‌ی روزنامه رسمی، تاریخ لازم الاجرا شدن آن‌هاست.
  - ابلاغ قوانین تنها با «روزنامه رسمی»<sup>۱</sup> است و نباید آن را با «روزنامه کثیرالانتشار» خلط نمود؛
- مثال ساده:** روزنامه‌های کثیرالانتشار مثل روزنامه ایران، کیهان، اطلاعات و... هر چند در ابلاغ «اوراق قضایی» کاربرد دارند، ولی نمی‌توانند وسیله ابلاغ «قوانین» باشند.

۱ - «روزنامه رسمی» از سازمان‌های وابسته به قوه قضائیه می‌باشد که به صورت شرکت سهامی اداره می‌گردد. مطابق اساسنامه قانونی مصوب ۱۳۵۲/۱۲/۲۸، ارکان شرکت عبارتند از: مجمع عمومی، هیئت مدیره، مدیر عامل و بازرس قانونی. سهام شرکت صد در صد متعلق به دولت بوده و ریاست محترم قوه قضائیه رئیس مجمع عمومی شرکت می‌باشد. برابر ماده ۴ اساسنامه (اصلاحی ۱۳۸۱/۱۱/۱۲) ، موضوع شرکت اداره و چاپ و انتشار روزنامه رسمی کشور، انجام سفارشات چاپی و مطبوعاتی قوه قضائیه، وزارتخانه‌ها، موسسات و شرکتهای دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی، چاپ، توزیع و فروش کتب و نرم افزارهای الکترونیک و رایانه‌ای می‌باشد.



**ماده ۴ -** اثر قانون نسبت به آتیه است و قانون نسبت به ماقبل خود اثر ندارد، مگر اینکه در قانون، مقررات خاصی نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد.

### قانون مجازات اسلامی

**ماده ۱۰ -** در مقررات و نظامات دولتی، مجازات و اقدام تأمینی و تربیتی باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده است و مرتکب هیچ رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل را نمی‌توان به موجب قانون مؤخر، به مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی محکوم کرد، لکن چنانچه پس از وقوع جرم، قانونی مبنی بر تخفیف یا عدم اجرای مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی یا از جهاتی مساعدتر به حال مرتکب وضع شود، نسبت به جرایم سابق بر وضع آن قانون تا صدور حکم قطعی، مؤثر است...

**ماده ۱۱ -** قوانین زیر نسبت به جرائم سابق بر وضع قانون، فوراً اجراء می‌شود:

- الف- قوانین مربوط به تشکیلات قضایی و صلاحیت.
- ب- قوانین مربوط به ادله اثبات دعوی تا پیش از اجرای حکم.
- پ- قوانین مربوط به شیوه دادرسی.
- ت- قوانین مربوط به مرور زمان.

### قانون آیین دادرسی مدنی

**ماده ۹ -** رسیدگی به دعایی که قبل از تاریخ اجرای این قانون اقامه شده به ترتیب مقرر در این قانون ادامه می‌یابد. آرای صادره از حیث قابلیت اعتراض و تجدیدنظر و فرجام، تابع قوانین مجری در زمان صدور آنان می‌باشد، مگر اینکه آن قوانین، خلاف شرع شناخته شود...

### رأی وحدت رویه شماره ۷۹۶ - ۱۳۹۹/۷/۱

**تلخیص رأی:** نظر به اینکه مطابق قسمت دوم ماده ۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ آرای صادره از حیث قابلیت اعتراض، تجدیدنظر و فرجام تابع قوانین مجری در زمان صدور آن است و این حکم که یکی از قواعد تضمین‌کننده حقوق مکتسب اصحاب دعوا است، در امور کیفری نیز جاری است و به همین سبب حکم مندرج در بند «الف» ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مبنی بر اجرای فوری قوانین مربوط به صلاحیت، منصرف از قاعده مذکور است. بنابراین، چنانچه رأی دادگاه کیفری با توجه به درجه مجازات قانونی جرم در زمان صدور، مطابق ماده ۴۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، قابل فرجام در دیوان عالی کشور باشد، کاهش مجازات به موجب قانون جدید تأثیری در قابلیت فرجام رأی ندارد.

### رأی وحدت رویه شماره ۴۹۹ مورخ ۱۳۱۳/۳/۱۰

**تلخیص رأی:** در قوانین مربوط به آیین دادرسی، یعنی قواعدی که برای احراز حق وضع و تدوین می‌شود قانون جدید حاکم است.

در نظم تطبیقی با قوانین خاص	<p><b>رأی وحدت رویه شماره ۷۱ - ۱۳۵۳/۹/۴</b></p> <p><b>تلخیص رأی:</b> در کلیه دعوی تعدیل مال الاجاره، موضوع ماده ۴ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب تیر ماه ۱۳۵۶، قانون جدید به گذشته سرایت می کند و باید بر اساس قانون جدید تعقیب شود، هر چند کارشناسان مربوطه نسبت به تعیین اجاره بها اظهار نظر کرده باشند.</p>
	<p><b>رأی وحدت رویه شماره ۱۱۳ - ۱۳۵۶/۱۱/۲۴</b></p> <p><b>تلخیص رأی:</b> در دعوی تخلیه عین مستاجر به علت تخلف از پرداخت اجاره بها، موضوع بند نهم ماده ۱۴ قانون روابط موجر و مستاجر مصوب ۱۳۵۶، قانون جدید به گذشته سرایت نمی کند و ماده فوق ناظر به دادخواست های تخلیه قبل از اجرای قانون ۵۶ نیست.</p>
	<p><b>رأی وحدت رویه شماره ۴۵۰ - ۱۳۶۵/۱۰/۲۵</b></p> <p><b>تلخیص رأی:</b> ماده ۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۶۱ (در حال حاضر ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) که مجازات و اقدامات تامینی و تربیتی را برطبق قانونی قرار داده که قبل از وقوع جرم وضع شده باشد، منصرف از قوانین و احکام الهی از جمله راجع به قصاص است.</p>

• اثر قانون نسبت به آتیه است، یعنی قانون از روز لازم الاجرا شدن و به بعد، تاثیر گذار است و به قبل از تاریخ لازم الاجرا شدن سرایت نمی کند.

📖 **مثال ساده:** اگر قانونی در خصوص اجاره در تاریخ ۱۴۰۰/۲/۱ منتشر و در تاریخ ۱۴۰۰/۲/۱۷ لازم الاجرا شود، تمام قراردادهای اجاره ای که در تاریخ ۱۴۰۰/۲/۱۷ منعقد شده و بعد از آن منعقد می شود، مشمول آن قانون خواهد بود.

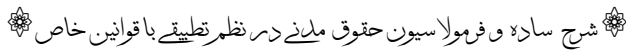
• اصولاً قوانین ماهوی مثل «قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی» اثرشان صرفاً نسبت به آتیه است و عطف به ماسبق نمی شوند، از همین روی به موجب ماده ۱۰ ق.م.ا مرتکب هیچ رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل را نمی توان به موجب قانون مؤخر به مجازات محکوم کرد.

• اصولاً قوانین شکلی مثل «قوانین آیین دادرسی مدنی و کیفری» علاوه بر آتیه، نسبت به گذشته نیز اثر داشته و عطف به ماسبق می شوند، از همین روی به موجب ماده ۱۱ ق.م.ا قوانین مربوط به تشکیلات قضائی، صلاحیت ها، ادله اثبات، شیوه دادرسی و مرور زمان، عطف به ماسبق می شوند.



فرمولاسیون تطبیقی اثر قوانین ماهوی و شکلی در نظام حقوقی ایران

عطف به ماسبق نمی شود و نسبت به آینده اثر دارد.	=	اصولاً تصویب قوانین ماهوی - استثنائات	∑۱
عطف به ماسبق می شود و نسبت به گذشته و آینده اثر دارد.	=	اصولاً تصویب قوانین شکلی - استثنائات	∑۲



**ماده ۵ -** کلیه سکنه ایران، اعم از اتباع داخله و خارجه مطیع قوانین ایران خواهند بود، مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد.

<b>قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲</b>	<b>در نظم تطبیقی</b>
<b>ماده ۳ ق.م.ا؛</b> « قوانین جزائی ایران درباره کلیه اشخاصی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌شود، مگر آنکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.»	

• ماده ۵ حاوی اصل محلی بودن قوانین در روابط بین المللی است، به نحوی که در صورت تردید در اجرای قانون ایرانی یا خارجی، اصل بر اجرای قانون ایران درباره ساکنان ایران است. (دکتر کاتوزیان - مقدمه علم حقوق - شه ۲۰۱)

- ◀ اصل مذکور در برگیرنده اشخاص حقیقی و اشخاص حقوقی است.
- ◀ اصل مذکور شامل قوانین حقوقی، تجاری، کیفری و جزایی است.

**مثال ساده؛** " الف " که ساکن ایران است و تابعیت ایرانی دارد، ماشین خود را به " ب " که ساکن ایران و تبعه افغانستان است می‌فروشد. چنین بیعی مشمول قانون ایران (ماده ۳۳۸ به بعد ق.م) خواهد بود مگر اینکه قوانین ایران که به آن‌ها رجوع می‌شود، آن بیع را استثناء کرده و مشمول قانون تبعه خارجی یعنی افغانستان بداند.

• همانگونه که در قسمت اخیر ماده ۵ ق.م بیان گردیده، اصل مذکور در مواردی دارای استثناء است، یعنی دیگر قانون ایران نسبت به آن سکنه اعمال نمی‌شود. از جمله این استثنائات می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ◀ قوانین مربوط به احوال شخصیه اتباع بیگانه. (ماده ۷ ق.م)
- ◀ قوانین مربوط به احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه. (ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم، مصوب ۱۳۱۲/۵/۱۰)
- ◀ روابط حقوقی که در داخل یک هوایما بر فراز آسمان ایران منعقد می‌شود، تابع کشور متبوع آن هوایما است. (ماده ۲۹ قانون هوایمایی کشوری مصوب ۱۳۲۸/۵/۱)
- شایان ذکر است که بر استثنائات فوق، استثنای بزرگی وارد است و آن اینکه اگر موارد استثنائی مزبور، مخالف نظم عمومی باشند همچنان مشمول قوانین ایران خواهند بود و طبق همان اصل محلی بودن اقدام می‌شود. (نتیجه استثنای بر استثنائات رجوع به همان اصل است)

**ماده ۶-** قوانین مربوط به احوال شخصیه، از قبیل نکاح و طلاق و اهلیت اشخاص و ارث، در مورد کلیه اتباع ایران ولو اینکه مقیم در خارجه باشند، مجری خواهد بود.

<b>در نظم تطبیقی با قوانین خاص</b>	<p><b>نظریه شماره ۷/۴۵۰۱ - ۱۳۶۱/۸/۲۰</b></p> <p>«...حقوق مربوط به احوال شخصیه مشتمل بر مسائل ذیل است: ازدواج، ترتیب اموال بین زوجین، طلاق، افتراق، جهیزیه، ابوت، نسب، قبول به فرزندی، اهلیت حقوقی، بلوغ، ولایت و قیمومت، حجر، حق وراثت به موجب وصیت‌نامه یا بدون وصیت‌نامه، تصفیه و تقسیم ماترک و یا اموال و به طور عموم کلیه مسائل مربوط به حقوق خانوادگی و کلیه امور مربوط به احوال شخصیه.</p> <p>بنا به مراتب مذکور، وقتی که زن و مرد ایرانی مقیم آلمان توافق در طلاق داشته باشند طبق قوانین ایران مراجعه به دادگاه ضرورت نداشته و می‌تواند به ترتیب دیگری اقدام نمایند و به موجب مقررات قرارداد بین دولین ایران و آلمان دادگاه‌های آلمانی مجاز نیستند تا مقررات آلمان را به آن‌ها تحمیل نمایند.»</p>
------------------------------------	--

**مثال ساده ماده ۶ ق.م؛** اگر "الف" و "ب" ایرانی که هر دو ساکن فرانسه هستند،

قصد ازدواج یا طلاق داشته باشند باید طبق قوانین ایران عمل نمایند.

- علی‌رغم اینکه قانون، مصادیقی از احوال شخصیه را معین نموده، ولی تعریفی روشن و صریح از آن ارائه نکرده است. در اینجا به دو تعریف از حقوق دانان اشاره می‌کنیم که ضمن تعریف، ویژگی‌های آن نیز بیان شده است:

◀ احوال شخصیه عبارت است از مجموع صفات انسان که به اعتبار آن‌ها یک شخص در اجتماع دارای حق و حقوق شده و آن حقوق را اجرا می‌کند. مانند تابعیت، اقامتگاه، اسم و... (دکتر جعفری لنگرودی - ترمینولوژی حقوق - ص ۱۷)

◀ احوال شخصیه اوصافی است که مربوط به شخص است، صرف نظر از شغل و مقام خاص او در اجتماع و قابل تقویم و مبادله با پول نبوده و از لحاظ حقوق مدنی آثاری بر آن مترتب است، مانند ازدواج، طلاق و نسب. (دکتر صفایی - اشخاص و محجورین - ص ۱۰)

- مصادیق «احوال شخصیه» در حقوق ایران حصری نیست بلکه تمثیلی است. (دکتر صفایی - همان)
- به استناد مواد ۶ و ۷ ق.م و اصول ۱۲ و ۱۳ ق.ا و ماده واحده اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه و دکترین حقوق مدنی، مهمترین مصادیق احوال شخصیه عبارتند از؛

نکاح   طلاق   اهلیت   حجر   ارث   وصیت   نسب   فرزندخواندگی

- حکم ماده ۶ برای دادگاه‌های ایران در هر حال محترم است ولی در خارج از کشور، در صورتی

شرح ساده و فرمولاسیون حقوق مدنه در نظر تطبیقی با قوانین خاص

دادگاه آن را رعایت می کند که قانون ملی را حاکم بر احوال شخصی بداند (مثل کشور فرانسه که قانون ملی را بر احوال شخصیه حاکم می داند) پس در نظام های حقوقی که احوال شخصی تابع قانون اقامتگاه است (مانند انگلیس و آمریکا) احوال شخصیه ایرانیان نیز تابع قوانین محلی خواهد بود. (دکتر کاتوزیان - خانواده - جلد ۱ - قرائت و تمرین ۷)

**ماده ۲ -** اتباع خارجه مقیم در خاک ایران، از حیث مسائل مربوطه به احوال شخصیه و اهلیت خود و همچنین از حیث حقوق ارثیه، در حدود معاهدات، مطیع قوانین و مقررات دولت متبوع خود خواهند بود.

**قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم - مصوب ۱۳۱۲**

**ماده واحده -** نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده، محاکم باید قواعد و عادات مسلمه متداوله در مذهب آنان را، جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد، به طریق ذیل رعایت نمایند:

- ۱- در مسایل مربوطه به نکاح و طلاق، عادات و قواعد مسلمه متداوله در مذهب پیرو آن است.
- ۲- در مسایل مربوطه به ارث و وصیت، عادات و قواعد مسلمه متداوله در مذهب متوفی.
- ۳- در مسایل مربوطه به فرزندخواندگی، عادات و قواعد مسلمه متداوله در مذهب که پدرخوانده یا مادرخوانده پیرو آن است.

**قانون رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و**

تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی - مصوب ۱۳۷۲ مجمع تشخیص

**ماده واحده -** رأی وحدت رویه شماره ۳۷ مورخ ۱۳۶۹/۹/۱۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، عیناً و به شرح ذیل به تصویب رسید:

نظر به اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و این که به موجب ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم مصوب مرداد ماه ۱۳۱۲ نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده لزوم رعایت قواعد و عادات مسلمه متداوله در مذهب آنان در دادگاهها جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد تصریح گردیده، فلذا دادگاهها در مقام رسیدگی به امور مذکور و همچنین در رسیدگی به درخواست تنفیذ وصیتنامه ملزم به رعایت قواعد و عادات مسلمه در مذهب آنان جز در مورد مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی بوده و باید احکام خود را بر طبق آن صادر نمایند.

نظریه شماره ۷/۴۵۰۱ - ۱۳۶۱/۸/۲۰

صدور گواهی انحصار وراثت برای اتباع خارجه با رعایت قوانین دولت متبوع آنها بلا اشکال است.

### مثال ساده ماده ۷ ق.م؛

در قرینه با ماده ۶ ق.م، به موجب ماده ۷ ق.م، اگر شخص "الف" و شخص "ب" فرانسوی که هر دو ساکن ایران هستند، قصد ازدواج یا طلاق داشته باشند باید طبق قوانین فرانسه عمل نمایند.

- اتباع خارجه اعم است از اهل کتاب خارجی و یا غیراهل کتاب خارجی. مهم این است که؛

اولاً تابعه خارجی باشد.

ثانیاً مقیم کشور ایران باشد حال چه مقیم دائم و چه موقت.

پس بودایی و برهمنایی هم که باشد مشمول این ماده خواهد بود.

(دکتر لنگرودی - محشی قانون مدنی - ص ۶)

- «قواعد و عادات مذهبی» مربوط به احوال شخصی ایرانیان غیر شیعه نیز در حکم قانون خارجی است و باید طبق همان با آن‌ها رفتار نمود، البته مقصود از ایرانیان غیر شیعه عبارتند از:

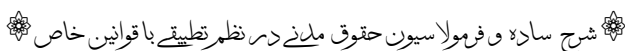
۱- اقلیت‌های مذهبی حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی. (مستفاد از اصل ۱۲ ق.ا)

۲- اقلیت‌های دینی زرتشتی، کلیمی و مسیحی. (مستفاد از اصل ۱۳ ق.ا)

بنابراین سایر اقلیت‌های دینی یا مذهبی همچنان در احوال شخصی، مشمول قانون ایران هستند مگر همانطور که بیان شد، تابعه کشور خارجی باشند که در این صورت قوانین همان کشور متبوعشان اعمال می‌گردد. (البته در این حالت هم مقصود اعمال قواعد مذهبی نیست بلکه اعمال قواعد و قوانین خارجی است.)

- ماده ۷ ق.م موضوع حکم خود را اتباع خارجه مقیم ایران قرار داده است و نسبت به کسانی که در ایران «سکونت دارند» و یا از خاک ایران عبور می‌نمایند ساکت است. از نظر وحدت ملاک می‌توان حکم ماده بالا را نسبت به کلیه اتباع خارجه که در خاک ایران هستند (اعم از مقیم یا ساکن) سرایت داد. (دکتر حسن امامی - جلد چهارم حقوق مدنی - ص ۱۱۷)

- اعمال ماده ۷ ق.م. موکول به وجود معاهدات بین ایران و کشور متبوع بیگانه نیست، ولی اگر معاهده ای باشد باید آن را رعایت کرد. (دکتر جعفری لنگرودی - محشی قانون مدنی - ص ۶)



**ماده ۸ -** اموال غیرمنقوله که اتباع خارجه در ایران طبق عهود تملک کرده یا می کنند از هر جهت تابع قوانین ایران خواهد بود.

<b>درنظم تطبیقی با قوانین خاص</b>	<p><b>رأی دیوان عالی کشور به شماره: ۱۶۳۶-۱۳۰۸/۶/۶</b></p> <p>مالکیت اتباع خارجه و استملاک آنها در مورد اعیان غیرمنقوله منحصر به محل سکونت و تجارت است.</p> <p><b>نظریه شماره ۷/۱۷۴۵ - ۱۳۶۲/۷/۱۲</b></p> <p>در مورد افراز و تقسیم املاک فرقی بین مالک ایرانی و مالک تبعه خارجه نیست.</p> <p><b>رأی وحدت رویه شماره ۶۷۲</b></p> <p>دعوی خلع ید فرع بر اثبات مالکیت می باشد، فلذا، قبل از اثبات مالکیت، دعوی خلع ید از مال غیرمنقول، قابل استماع نیست.</p>
-----------------------------------	---

**مثال ساده ماده ۸ ق.م.؛ اگر شخص "الف" که تبعه کشور فرانسه است از شخص "ب"**

ایرانی یک واحد آپارتمان بخرد، این معامله به شرط صحت و به شرط اینکه برطبق عهود بین ایران و فرانسه منعقد شده باشد تابع قانون ایران است و فی المثل تنظیم سند رسمی آن الزامی است.

• «از هر جهت تابع قوانین ایران بودن اموال غیرمنقول اتباع خارجه»، صرفاً مربوط به جهات غیرمنقول بودن مثل مالیات، اداره کردن و تشریفات انتقال مال است اما آنچه مربوط به احوال شخصیه مالک مال غیرمنقول می باشد از قبیل حقوق ارثیه و وصیت، تابع قانون خارجی است هر چند راجع به اموال غیرمنقوله واقع در ایران باشد. (دکتر کاتوزیان - قانون مدنی درنظم - ص ۳۰) (دکتر الماسی - حقوق بین الملل خصوصی - ص ۲۸۶)

• عبارت «از هر جهت» شمولی عام به ماده ۸ داده و ثبت اجباری ملک و تنظیم اجباری اسناد معاملات غیرمنقول را نیز در برمی گیرد. پس شمول ماده ۸ بیش از شمول ماده ۹۶۶ ق.م است مقرر می دارد «تصرف و مالکیت و سایر حقوق بر اشیاء منقول و یا غیرمنقول تابع قانون مملکتی خواهد بود که آن اشیاء در آنجا واقع می باشند...» از طرفی ماده ۹۶۷ ق.م هم که برشمول ماده ۹۶۶ افزوده است بازهم به میزان شمول ماده ۸ نمی رسد زیرا همانطور که مقرر می دارد «ترکه منقول یا غیرمنقول اتباع خارجه که در ایران واقع است فقط از حیث قوانین اصلیه از قبیل قوانین مربوطه به تعیین وراثت و مقدار سهم الارث آنها و تشخیص قسمتی که متوفی می توانسته است به موجب وصیت تملیک نماید تابع قانون دولت متبوع متوفی خواهد بود»، اختصاص به امر ترکه دارد و حال آنکه ماده ۸ عام است. (دکتر لنگرودی - محشی قانون مدنی - ص ۲۷)

- با توجه به ماده ۸ اصولاً تملک اموال غیرمنقول به شرط رفتار متقابل برای محل سکونت، صنعت و یا کسب مجاز است مگر در موارد استثنایی مثل زمین زراعی که ممنوع است.

(قانون راجع به اموال غیر منقول اتباع خارجی مصوب ۱۳۱۰/۳/۱۶)

(آیین نامه استملاک اتباع خارجه مصوب ۱۳۲۸)

**ماده ۹ -** مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد، در حکم قانون است.

در نظم تطبیقی با قوانین خاص	<p style="text-align: center;"><b>قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران</b></p> <p><b>اصل ۷۷ ق.ا؛</b> عهدنامه‌ها، مقاله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.</p> <p style="text-align: center;"><b>رأی دیوان عالی کشور به شماره: ۵۱۶۸-۱۳۱۰/۲/۱۵</b></p> <p><b>تلخیص رأی:</b> مقررات و عهد بین دول در حکم قانون است.</p> <p style="text-align: center;"><b>نظریه شماره ۲۹ و ۱۴۱ شورای محترم نگهبان</b></p> <p>مستفاد از اصل ۱۲۵ قانون اساسی این است که امضای عهدنامه‌ها، مقاله‌نامه‌ها... با امضای رئیس جمهور یا نماینده قانونی او رسمیت خواهد یافت.</p> <p style="text-align: center;"><b>نظریه شماره ۳۹۰۳ شورای محترم نگهبان</b></p> <p>قراردادهایی که یک طرف آن وزارتخانه یا مؤسسه یا شرکت دولتی و طرف دیگر قرارداد شرکت خصوصی خارجی می‌باشد، قرارداد بین‌المللی محسوب نمی‌شود و نیاز به تصویب مجلس ندارند.</p>
-----------------------------	--

- عهدنامه یا معاهده و اژه‌ای عام است و کنوانسیون، موافقت‌نامه بین‌المللی، توافق‌نامه، پروتکل، پیمان، میثاق و... را در بر می‌گیرد.

**مثال ساده ماده ۹ ق.م.ا؛** یکی از مصادیقی که اخیراً محل بحث بوده و در عهدنامه بودن یا نبودن آن اختلاف نظرهای فراوانی وجود داشته است، "برجام" یا همان «برنامه جامع اقدام مشترک بین ایران و کشورهای پنج بعلاوه یک» بوده است که ظاهراً آخر الامر با این استدلال که یک معاهده بین‌المللی نیست مشمول اصل ۷۷ ق.ا، قرار نگرفت و اصل متن آن نیز به تصویب مجلس نرسید. اما عهدنامه تقسیم آب هلمند میان افغانستان و ایران در سال ۱۳۵۱ می‌تواند یک مصداق قطعی از ماده ۹ ق.م.ا باشد که به تصویب مجلس وقت نیز رسید.

شرح ساده و فرمولاسیون حقوق مدنی در نظر تطبیقی با قوانین خاص ❁

• مهمترین اصل قانون اساسی که باید در عهدنامه‌ها رعایت شود تا آن‌ها را در حکم قانون نماید، اصل ۷۷ ق.ا، است که مقرر می‌دارد: «عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.» پس عهدنامه بدون تصویب مجلس فاقد اعتبار است.

• حال که عهدنامه‌ها در حکم قانون هستند باید دقت داشت در روابط بین‌المللی، اعتبار عهدنامه بیش از قانون داخلی است و در محاکم داخلی، هرگاه قانونی مخالف با عهدنامه وضع شود، دادگاه باید قانون مخالف را که آخرین اراده قانونگذار است رعایت نماید.

(دکتر کاتوزیان - قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی - ص ۳۱)

• از آنجایی که عهدنامه در حکم قانون است، مشمول ماده ۲ ق.م می‌باشد، یعنی لازم‌الاجرا شدن آن مستلزم انتشار در روزنامه رسمی و انقضای مهلت پانزده روزه است، اما در روابط بین‌المللی، بلافاصله پس از تصویب مجلس اعتبار عهدنامه کامل است و باید رعایت شود.

(دکتر کاتوزیان - مقدمه علم حقوق - ش ۱۰۱)

**ماده ۱۰ -** قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است.

<b>در نظم تطبیقی با قوانین خاص</b>	<p><b>قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو مصوب: ۱۳۸۶/۳/۲۳</b></p> <p><b>ماده ۷-</b> هر نوع توافق مستقیم یا غیرمستقیم بین عرضه‌کننده، (یا) واسطه فروش با مصرف‌کننده که به موجب آن تمام یا بخشی از تعهداتی که عرضه‌کننده بر طبق این قانون و یا ضمانتنامه صادره، بر عهده دارد، ساقط نماید یا به عهده واسطه فروش یا هر عنوان دیگری گذارده شود، در برابر مصرف‌کننده باطل و بلااثر می‌باشد.</p> <p><b>تبصره -</b> انعقاد هر نوع قراردادی که حقوق و تکالیف طرفین قرارداد و مشمولین این قانون در آن رعایت نشود به استناد ماده (۱۰) قانون مدنی و مورد مشابه غیرقانونی و از درجه اعتبار ساقط است.</p>
------------------------------------	--

• غالباً عقود و قراردادهایی که خارج از عناوین عقود معین بین اشخاص منعقد می‌گردد، قرارداد ماده ۱۰ ق.م خوانده می‌شود.

📌 **مثال ساده:** قراردادهای مشارکت در ساخت بنا، چاپ کتاب، طبخ غذا، ترخیص کالا، تعمیر و نگهداری وسایل، خدمات مهمان‌سراها و هتل‌ها، حق الوکاله و کیل و... نمونه‌هایی از قراردادهای خصوصی ماده ۱۰ ق.م هستند.

● «قرارداد خصوصی» یعنی «عقود نامعین» که از حیث عنوان، احکام و آثار در قانون پیش‌بینی نشده‌اند.  
● در «عقود معین» نیز نسبت به احکام و مقررات تکمیلی و مخیره همچنان ماده ۱۰ ق.م. کارآیی دارد.  
● منظور از «قانون» در ماده ۱۰ ق.م، «قانون آمره» است که نباید «قراردادهای خصوصی» با آن مخالفت قطعی داشته باشند و الا در صورت احراز مخالفت چه به صورت صریح و چه به صورت ضمنی، قرارداد باطل است.

● نفوذ قراردادهای نامعین مشروط است به عدم مخالفت با؛

❑ ← قانون آمره ❑ ← نظم عمومی و ❑ ← اخلاق حسنه.

● برخی از استادان حقوق با این استدلال که عقد صلح در ردیف عقود معینه، عنوان خاصی ندارد چرا که صلح مطلق چیزی جز تراضی نیست، وجود عقد صلح و مقررات آن را بی‌نیاز از ماده ۱۰ قانون مدنی دانسته‌اند و به نوعی آن را منسوخ به نسخ عملی می‌دانند.

(دکتر جعفری لنگرودی - رهن و صلح - ص ۱۴۰ و محشی مدنی - ص ۹)

● برخی دیگر نیز گفته‌اند که مفاد ماده ۱۰ ق.م عقد صلح را بیهوده نمی‌کند و عقد صلح نیز باعث بی‌نیازی از استناد به ماده ۱۰ ق.م نمی‌شود. (دکتر کاتوزیان - عقود معین - جلد دوم - ش ۲۰۴)  
● به نظر می‌رسد توافق‌های خصوصی ماده ۱۰ ق.م نه تنها در عقود نامعین، بلکه در عقود معین و حتی در صلح نیز، در اموری که «بر اساس گذر زمان و جدیداً حادث می‌شوند» به عنوان یک راهکار اصولی و قانونی حتماً کارایی دارد. بنابراین؛

❑ عقود معین از جمله صلح رافع ماده ۱۰ ق.م نیست.

❑ ماده ۱۰ ق.م نیز، قوانین آمره عقود معین را بیهوده نمی‌کند.

● به موجب ماده ۱۰ ق.م، شرط ضمن عقد می‌تواند شرط ابتدایی یعنی شرطی بدون عقد یا بعد از عقد هم باشد، پس ماده فوق شرط را از قید «ضمن عقد بودن» رها می‌کند.

(دکتر کاتوزیان - قواعد عمومی قراردادها - جلد ۱ - ش ۱۸۵)

## جمع‌بندی تطبیقی «مواد ۱ تا ۱۰» قانون مدنی در نظم تطبیقی

### دراقتضار (مواد ۳ و ۱) و اجراء (ماده ۲) و آثار قوانین به طور عموم (مواد ۴ تا ۱۰)

مقدمه قانون مدنی، برخلاف مقدمه سایر قوانین که مختص همان قانون است، به طور عمومی راجع به تمام قوانین می‌باشد چرا که قانون مدنی «قانون مادر» است ولذا قواعد عمومی انتشار قوانین، اجراء و آثار اجرای آن‌ها را تبیین می‌کند. «کل مواد دهگانه مقدمه ق.م.» ذیلا جمع‌بندی تطبیقی می‌گردد تا تسلط نهایی حاصل گردد؛

#### آثار قوانین به طور عموم (مواد ۴ تا ۱۰)

**ماده ۴-** اثر قانون در زمان: اصولاً اثر قوانین منتشره نسبت به آتیبه و آینده است، یعنی از تاریخ لازم‌الاجراء شدن قانون به بعد اثر دارد. به عبارت دیگر آینده در حکومت قانون جدید است، یعنی اصولاً قوانین ماهوی بر گذشته خود حکومت ندارند. (برخلاف قوانین شکلی مثل آیین دادرسی‌ها)

**ماده ۵-** اثر قانون در مکان: اصولاً اثر قوانین منتشره در ایران، کلیه سکنه ایران را در بر می‌گیرد (چه ایرانی، چه خارجی)، به موجب این اثر که اصل سرزمینی بودن قوانین نیز نامیده می‌شود، در صورت تردید در اجرای قانون ایرانی یا خارجی، اصل بر اجرای قانون ایران نسبت به سکنه ایران است.

**مادتين ۶ و ۷-** اثر قانون در احوال شخصیه: اثر قوانین منتشره نسبت به احوال شخصیه حاوی اصل فراسرزمینی بودن قوانین در این زمینه است به نحوی که مقنن در مواد ۶ و ۷ قوانین مربوط به احوال شخصیه را از قبیل نکاح، طلاق، اهلیت و ارث، تابع قانون ملی می‌داند و نه تابع قانون اقامت یا سکونت، به شکلی که در دو ماده به صورت قریبه، احوال شخصیه کلیه اتباع ایران ولو مقیم خارجه را تابع قانون ملی یعنی قانون ایران می‌داند و احوال شخصیه اتباع خارجه ولو مقیم ایران را تابع قانون متبوع آن‌ها یعنی قانون خارجی می‌داند.

**ماده ۸-** اثر قانون در اموال غیرممتول: قوانین منتشره در ایران از هر جهت نسبت به اموال غیرممتول اتباع خارجی در ایران حکمفرماست و از هر چیزی اعم از مالیات، اداره کردن، انتقال عین و منافع و تشریفات اثر گذار است، مگر اینکه با حقوقی چون ارث و یا وصیت این اموال مواجه باشیم که طبق ماده ۷ در زمره احوال شخصیه بوده و تابع همان قانون ملی آن‌هاست.

**ماده ۹-** اثر قانون در عهود بین‌المللی: اثر عهود بین‌المللی همانند اثر قوانین داخلی است و در حکم آن است، حال در روابط بین‌المللی، اعتبار عهدنامه پیش از قانون داخلی است و در محاکم داخلی، هرگاه قانونی مخالف با عهدنامه وضع شود برای دادگاه قانون مخالف داخلی اعتبار دارد.

**ماده ۱۰-** اثر قراردادهای خصوصی: قانونگذار پس از بررسی آثار قوانین و عهدنامه‌ها، قراردادهای خصوصی را نیز به شرط مخالف قانون نبودن (عدم مخالفت با قوانین و عهدنامه‌ها) واحد اثر می‌داند و به نوعی با تکیه بر اصل آزادی قراردادهای و با فاصله گرفتن از قوانین و عهدنامه‌ها، به حکومت اراده‌ها نیز اثر می‌بخشد.

#### اجراء (ماده ۲)

**ماده ۲:** لازم‌الاجرائی؛ اصولاً قوانین ۱۵ روز پس از انتشار در سراسر کشور لازم‌الاجراء است.

✓ لازم‌الاجراء بودن قوانین پس از انقضای مهلت ۱۵ روزه از تاریخ انتشار این قرض قانونی را به همراه دارد که همه به قانون آگاه هستند

و جاهل به قانون رافعی مسئولیت کسی نخواهد بود مگر اینکه خلاف آن به اثبات برسد. ✓ مهلت فسخ در خصوص اجرای قانون در خارج کشور هم لازم‌الاجراء است.

#### دراقتضار (مواد ۱ و ۳)

**ماده ۱:** مسئولیت انتشار قوانین: قوانین (صورت مطبوع و تهیه همه برسی) به رئیس جمهور ابلاغ می‌شود تا اینکه رئیس جمهور؛ ✓ طرف پنج روز آن را امضاء نماید.

✓ به مجریان ابلاغ نماید. ✓ دستور انتشار آن را در روزنامه رسمی صادر نماید تا ظرف ۷۲ ساعت پس از ابلاغ به روزنامه رسمی، توسط آن منتشر شود. ✓ ابلاغ به رئیس جمهور = یعنی ارسال به رئیس جمهور ابلاغ به روزنامه رسمی = یعنی ارسال به روزنامه رسمی

**ماده ۳:** وسیله انتشار قوانین: انتشار قوانین باید در روزنامه رسمی به عمل آید تا واحد اثر شود. ✓ امضای قانون با هدف تکلیف قوا و قدرت اجرایی شخصیت به قانون توسط رئیس قوه مجریه اجراء است مگر تشریفات رعایت نشده باشد.

✓ در صورت استکفاف رئیس جمهور از امضاء یا ابلاغ قوانین ظرف مدت‌های مذکور، یعنی (هر روز ۳ روز)، رئیس مجلس صرفاً دستور انتشار آن را در روزنامه رسمی صادر می‌نماید که از دیدگاه برخی معانی با اصل تکلیف قوا است.

# سبش کلیات حقوق مدنی

۱ - مصوبات مجلس شورای اسلامی و نتیجه همه پرسی پس از طی مراحل قانونی به رئیس جمهور ابلاغ می شود و چنانچه رئیس جمهور در خصوص امضا یا ابلاغ این موارد به مجریان و صدور دستور انتشار آنها ظرف ۵ روز اقدام نکند؟

- ۱) مجلس، رئیس جمهور را برای ادای توضیح احضار می کند.
  - ۲) به دستور رئیس مجلس، روزنامه رسمی موظف است مصوبه را ظرف ۷۲ ساعت، چاپ و منتشر کند.
  - ۳) رئیس قوه قضاییه ضمن تذکر به رئیس جمهور، دستور چاپ و نشر مصوبه را به روزنامه رسمی می دهد.
  - ۴) به دستور مقام معظم رهبری، روزنامه رسمی موظف است مصوبه را ظرف ۷۲ ساعت چاپ و منتشر کند.
- ۸۸ پاسخ تشریحی؛** در سوال فوق که سابقاً بیشتر در آزمون های نص محور مانند آزمون های وکالت سال های ۱۳۸۷ و ۱۳۹۰ مطرح شده است، گزینه ۲ مطابق نص تبصره ماده ۱ ق.م، صحیح می باشد.

۲ - منظور ماده ۱۰ قانون مدنی از کلمه «قانون» در عبارت «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است» چه قانونی می باشد؟

- ۱) قوانین تفسیری و یا تکمیلی.
- ۲) قانون بیان شده در شرع مقدس اسلام.
- ۳) قانون امری
- ۴) کلیه قوانین شرعی و عرفی مصوب مجلس.

**۸۸ پاسخ تشریحی؛** مطابق توضیحات ذیل ماده ۱۰ ق.م، در سوال فوق که در آزمون وکالت ۱۳۸۷ نیز مطرح بود، گزینه ۳ صحیح است. مخالفت قرارداد خصوصی با قوانین تکمیلی و عرف مجاز است چرا که در سلسله مراتب اعمال قوانین:

**اول؛** قوانین آمره که غیر قابل تراضی است، اعمال می گردد.

**دوم؛** قرارداد خصوصی که مخالف قوانین آمره نباشد، حاکم می گردد.

**سوم؛** عرف و عادت که مخالف قوانین آمره و قرارداد خصوصی نباشد، حاکم خواهد بود.

**چهارم؛** قوانین تکمیلی یا تفسیری که مخالف قوانین آمره، قرارداد خصوصی و عرف نباشد، حاکم خواهد بود. قوانین و احکام شرع نیز ممکن است حسب مورد در هر کدام از موارد چهارگانه فوق قرار گرفته و حاکم شود.

شرح ساده و فرمولاسیون حقوق مدنی در نظر تطبیقی با قوانین خاص

۵ طرح مسئله هفت: روشی که سال‌ها در کلاس‌های حقوق مدنی برای جمع‌بندی مباحث استفاده نمودیم، طرح مسئله هفت بوده است. از آنجایی که عدد هفت نماد جامعیت و بی‌نهایت است،<sup>۱</sup> در پایان هر بخش با طرح مسائل هفت، سعی در مرور و جمع‌بندی مباحث مطرح شده خواهیم داشت. عزیزانی که توان پاسخگویی به این مسائل را داشته باشند، به واقع به فهم و تسلطی جامع نسبت به مباحث آن بخش دست یافته‌اند.

طرح مسئله ۷ کدام عبارت از حیث صحت با سایر عبارات متفاوت است؟ (طرح مؤلف - ۱۴۰۱)

- ۱) قواعد عمومی انتشار عموم قوانین، اجرا و آثار اجرای آن‌ها در قانون مدنی تبیین شده است.
- ۲) اصولاً قوانین مصوب مجلس و تأییدی شورای نگهبان، ۱۵ روز پس از انتشار در روزنامه رسمی لازم‌الاجرا هستند.
- ۳) اصولاً آثار قوانین مدنی و جزایی برخلاف قوانین آیین دادرسی مدنی و کیفری، عطف به ماسبق نمی‌شوند.
- ۴) اتباع بیگانه در ایران بدون استثناء تابع قانون ایران و اتباع ایرانی در خارج تابع قانون خارج هستند.
- ۵) تملک اموال غیرمنقول توسط اتباع بیگانه به شرط رفتار متقابل برای محل سکونت، صنعت و یا کسب مجاز است مگر در موارد استثنایی مثل زمین زراعی که ممنوع است.
- ۶) مقررات عهدی که مطابق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول خارجی منعقد شده باشند، در حکم قانون هستند و تاب تعارض با قوانین ایران را ندارند.
- ۷) «قراردادهای خصوصی» در قانون مدنی، اصطلاحاً همان «عقود غیرمعین» محسوب می‌شوند.

۸ پاسخ تشریحی:

- ✓ عبارت اول مطابق تشریح ماده ۱ ق.م و بررسی جمع‌بندی مواد ۱ تا ۱۰ ق.م، کاملاً صحیح است.
- ✓ عبارت دوم مطابق مواد ۲ و ۳ ق.م سیر کامل و صحیح لازم‌الاجرا شدن قوانین را توضیح داده و صحیح است.
- ✓ عبارت سوم مطابق ماده ۴ ق.م و تشریح تطبیقی فرمولاسیون ذیل صحیح است.

اصولاً تصویب قوانین ماهوی - استثنائات	=	عطف به ماسبق نمی‌شود و نسبت به آینده اثر دارد.
اصولاً تصویب قوانین شکلی - استثنائات	=	عطف به ماسبق می‌شود و نسبت به گذشته و آینده اثر دارد.

- ✓ عبارت چهارم مطابق جمع مواد ۵ و ۶ و ۷ ق.م و با لحاظ اینکه استثنائاً احوال شخصیه تابع قوانین ملی و متبوع اشخاص است عبارت ناصحیحی است و از حیث صحت با سایر گزینه‌ها متفاوت است.
- ✓ عبارت پنجم مطابق ماده ۸ ق.م و قوانین خاص از جمله آیین‌نامه استملاک اتباع خارجه صحیح است.
- ✓ عبارت ششم مطابق ماده ۹ ق.م و تشریح ذیل آن عبارت صحیحی است.
- ✓ عبارت هفتم مطابق ماده ۱۰ ق.م و تشریح دگرترین ذیل آن عبارت صحیحی است.

۱ - هفت شهر عشق عطاری، هفت آسمان، هفت دریا، هفت روز هفته، هفت سنگ، هفت خط، هفت قلم آرایش، هفت گاو در داستان حضرت یوسف و... همگی مصادیق بیانگر کیفیت بی‌نهایت بودن عدد ۷ است و الا کمیت عدد هفت مدنظر نیست.

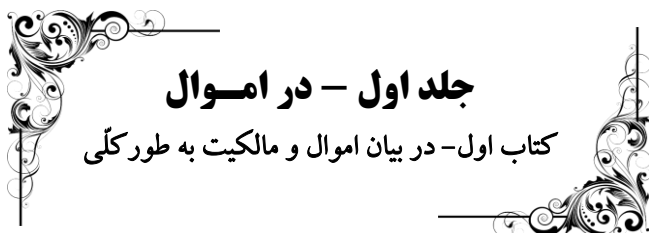
جلد اول

# در اموال

بررسی مواد ۱۱ تا ۹۵۵ قانون مدنی

در نظم تطبیقی با قوانین خاص





## باب اول - در بیان انواع اموال

ماده ۱۱ - اموال بردو قسم است؛ منقول و غیر منقول.

در نظم تطبیقی	رأی وحدت رویه شماره ۶۴۳ مورخ ۱۳۷۸/۹/۱۶ رسیدگی به دعاوی غیر منقول، در صلاحیت دادگاه محل وقوع مال غیر منقول است، ولو اینکه مربوط به اشخاص حقوقی باشد.
---------------	--

- ماده ۱۱ ق.م، بدون آن که تعریفی از «مال» کرده باشد، مال را به دو قسم (منقول و غیر منقول) تقسیم نموده است، لذا مال در قانون مدنی تعریف مشخصی ندارد.
  - **مثال ساده؛** ماشین، کیف، کفش، صندلی، یخچال و گاو صندوق نمونه هایی از اموال منقول و زمین، معدن، خانه، باغ، ویلا، مزرعه و... نمونه هایی از اموال غیر منقول به شمار می آیند.
  - از نظر حقوقی، به چیزی «مال» می گویند که لا اقل دارای دو شرط اساسی ذیل باشد:
    - ۱- مفید باشد و نیازی را (چه نیازمادی و چه نیاز حقوقی) برطرف کند.
    - ۲- قابل اختصاص یافتن به شخص یا ملت معین باشد. (دکتر کاتوزیان - اموال و مالکیت - ص ۹)
- ☐ مال اندک مانند دانه گندم نیز مالیت دارد و مال محسوب می شود.
- ☐ مالی که در رابطه دو طرف ارزش مالی دارد مانند عکس خانوادگی مال محسوب می شود.
- (دکتر کاتوزیان - اموال و مالکیت - صص ۱۰ و ۱۱)

شرح ساده و فرمولاسیون حقوق مدنی در نظر تطبیقی با قوانین خاص ❁

- با توجه به مواد ۱۲ تا ۲۲ قانون مدنی، تقسیم بندی مال به منقول و غیر منقول منحصر در اموال مادی نیست، بلکه اموال غیر مادی و اعتباری (حقوق) را نیز در بر می گیرد.
- مهمترین تقسیم بندی مال از نظر حقوق مدنی، همین تقسیم بندی اموال به منقول و غیر منقول است که در سایر شعبه های حقوق مانند معاملات تجاری تجار در حقوق تجارت و یا مواردی چون صلاحیت دادگاه ها، توقیف اموال، هزینه های دادرسی، تنظیم سند رسمی و... در آیین دادرسی مدنی مؤثر است.
- تقسیم بندی اموال، محدود به دو قسم فوق نبوده و اقسام دیگری را هم شامل می شود. از قبیل؛ اموال با مالک خاص و بی مالک خاص (مواد ۲۸-۲۳)، اموال عینی و غیر عینی (اعیان و منافع) (مواد ۵۵-۳۳۸-۴۴۶-۷۷۴-۸۲۶) و اموال مثلی و قیمی (مواد ۹۵۱-۹۵۰).

❁ **اموال غیر منقول (مواد ۱۲ تا ۱۸ قانون مدنی)**

- ◀ **غیر منقول ذاتی؛** مثل زمین (ماده ۱۲ ق.م.)
- ◀ **غیر منقول به واسطه عمل؛** مثل نصب پنجره ساختمان با عمل جوشکار (مواد ۱۳ تا ۱۶ ق.م.)
- ◀ **غیر منقول حکمی؛** مانند تراکتور اختصاصی و مورد استفاده در زمین (ماده ۱۷ ق.م.)
- ◀ **غیر منقول تبعی؛** مانند حقوق و دعاوی راجع به مالکیت زمین (ماده ۱۸ ق.م.)

❁ **اموال منقول (مواد ۱۹ تا ۲۲ قانون مدنی)**

- ◀ **منقول ذاتی؛** مثل ماشین سواری (ماده ۱۹ ق.م.)
- ◀ **منقول حکمی؛** مثل حقوق و دعاوی راجع به ماشین و کلیه دیون (ماده ۲۰ ق.م.)

❁ **اموال با مالک خاص و اموال بی مالک خاص (مواد ۲۳ تا ۲۸ قانون مدنی)**

- ◀ **با مالک خاص؛** مثل خانه ی علی.
- ◀ **بدون مالک خاص؛** مثل ماهی های مباح دریا.

❁ **اموال عینی و غیر عینی (اعیان و منافع در مواد ۵۵-۳۳۸-۴۴۶-۷۷۴-۸۲۶ قانون مدنی)**

- ◀ شرح مفصل این اموال با مثال در ادامه آمده است.

❁ **اموال مثلی و قیمی (مواد ۹۵۰ تا ۹۵۱ قانون مدنی)**

- ◀ شرح مفصل این اموال با مثال در ادامه آمده است.

❖ **غیرمنقول ذاتی (ماده ۱۲ ق.م):** اموالی که نقل آن از محلی به محل دیگر ممکن نبوده و استقرار ذاتی داشته باشد. مانند زمین و بعضی از متعلقات آن.

❖ **غیرمنقول به واسطه عمل (مواد ۱۳ تا ۱۶ ق.م):** اموالی مثل در و پنجره ساختمان که؛  
    < اولاً؛ ذاتاً منقول است.

    < ثانیاً؛ به واسطه عمل شخص، غیرمنقول شده است.

    < ثالثاً؛ قابلیت بازگشت به وصف ذاتی (منقول بودن) را دارد.

❖ **غیرمنقول حکمی (ماده ۱۷ ق.م):** اموالی همانند تراکتور و ادوات زراعت که؛  
    < اولاً؛ ذاتاً منقول است.

    < ثانیاً؛ از لحاظ مادی هم غیرمنقول نشده است.

    < ثالثاً؛ به حکم مقنن در ماده ۱۷ ق.م، فقط از دو جهت (۱- صلاحیت دادگاه‌ها،  
    ۲- توقیف و بازداشت اموال.) در حکم اموال غیرمنقول است.

❖ **غیرمنقول تبعی (ماده ۱۸ ق.م):** این قسم از غیرمنقول‌ها، اموال مادی نیستند،

بلکه یکسری حقوق و دعاوی راجع به غیرمنقول‌اند که تابع غیرمنقول بوده و

غیرمنقول تبعی محسوب می‌شوند؛

    < **حقوق؛** حق انتفاع از اموال غیرمنقول مثل حق عمری و حق سکنی و همچنین حق  
    ارتفاع نسبت به ملک غیر از قبیل حق العبور و حق المجری غیرمنقول تبعی است.

    < **دعاوی؛** دعاوی راجع به اموال غیرمنقول مثل خلع ید، تابع اموال غیرمنقول است.

❖ **منقول ذاتی (ماده ۱۹ ق.م):** اشیائی است که نقل آن از محلی به محل دیگر ممکن  
باشد بدون اینکه به خود یا محل آن خرابی وارد آید. (ماده ۱۹ ق.م)

❖ **منقول حکمی (ماده ۲۰ ق.م):** کلیه دیون، حقوق و دعاوی راجع به منقول در حکم  
منقول است.

❖ **اموال با مالک خاص:** اموالی اعم از منقول و غیرمنقول است که دارای مالک خاص  
بوده و مالکش معلوم است. به چنین مالی اصطلاحاً «ملک» اطلاق می‌شود. (مفهوم ماده ۲۳ ق.م)

❖ **اموال بی مالک خاص:** اموالی است که به واقع و در عالم ثبوت مالک ندارد و  
اصطلاحاً «مباحات» نامیده می‌شود. متأسفانه قانون مدنی، اموال مجهول‌المالک را که به واقع  
مالک خاص دارد، ولی در ظاهر و عالم اثبات مالکشان معلوم نیست، در این دسته قرار داده است.  
«لقطه» یعنی اموال پیدا شده و «ضالّه» یعنی حیوانات گمشده، نیز مجهول‌المالک‌اند.

غیرمنقول (مواد ۱۲ تا ۱۸ ق.م)

منقول (۱۹ تا ۲۲ ق.م)

با و بی مالک خاص (۲۳ تا ۲۸ ق.م)

تشریح انواع اموال در نظم قانون مدنی





فمولاسیون تطبیقی رابطه بین اموال مثلی و قیمی با اقسام اموال عین

$\Sigma 1$	عین معین	+ مثلی + قیمی	=	عین معین می تواند به شکل مثلی یا قیمی معامله شود.
$\Sigma 2$	عین کلی در معین	+ مثلی - قیمی	=	عین کلی در معین فقط می تواند به شکل مثلی معامله شود.
$\Sigma 3$	عین کلی فی الذمه	+ مثلی - قیمی	=	عین کلی فی الذمه فقط می تواند به شکل مثلی معامله شود.
نتیجه اینکه؛ اموال مثلی با هر سه شکل عین قابل جمع اند، ولی اموال قیمی فقط با عین معین قابل جمع اند.				

### فصل اول - در اموال غیرمنقول

**ماده ۱۲ -** مال غیر منقول آن است که از محلی به محل دیگر نتوان نقل نمود، اعم از اینکه استقرار آن ذاتی باشد یا به واسطه عمل انسان؛ به نحوی که نقل آن، مستلزم خرابی یا نقص خود مال یا محل آن شود.

در نظم تطبیقی با قوانین خاص	<b>نظریه شماره ۷/۱۹۳۳ - ۱۳۵۹/۴/۱۶</b>
	با توجه به تعریفی که از مال غیر منقول و ملحقات آن شده است، سهام شرکت‌ها را نمی‌توان از جمله اموال غیر منقول و یا ملحقات آن دانست و لذا باید آن را از اموال منقول محسوب داشت.
	<b>رأی وحدت رویه شماره ۷۱۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور</b>
	تقسیم ترکه غیر منقول از صلاحیت واحد ثبتی محل وقوع مال خارج و در صلاحیت دادگاه است.

- مال غیر منقول در ماده ۱۲ ق.م. بر دو نوع است؛ غیر منقول ذاتی و غیر منقول به واسطه عمل شخص.
- مال غیر منقول به واسطه عمل، مال منقولی بوده است که به واسطه ی عمل شخص صفت غیر منقول را کسب کرده و قابلیت بازگشت به صفت ذاتی خود یعنی منقول بودن را دارد.

**مثال ساده؛** زمین (ارض) و معدن، غیر منقولی است که استقرار آن ذاتی است (غیر منقول ذاتی) و ساختمان و آنچه در آن به کار رفته، ساده‌ترین مثال غیر منقول به واسطه عمل است.

**ماده ۱۳ -** اراضی و ابنیه و آسیا و هر چه که در بنا منصوب و عرفاً جزء بنا محسوب می‌شود، غیر منقول است و همچنین است لوله‌ها که برای جریان آب یا مقاصد دیگر در زمین یا بنا کشیده شده باشد.

**مثال ساده؛** ماده ۱۳ ق.م. خود در مقام بیان مثال برای «غیر منقول ذاتی» و «غیر منقول به واسطه عمل»

۱ - «آسیا» به طور مطلق، به معنای محل سایدن موادی چون غلات است، که شامل انواع ذیل می‌باشد؛ «آسیای آبی» (آسیاب)، «آسیای بادی»، «آسیای برقی» و «آسیای دستی» (دستاس؛ دست+آس).

شرح ساده و فرمولاسیون حقوق ملذنه در نظر تطبیقی با قوانین خاص

است؛ به نحوی که ظاهراً «اراضی» را مصداق غیر منقول ذاتی و «ابنیه، آسیا، لوله‌هایی که در زمین یا بنا کشیده شده و آنچه در بنا به کار رفته است» را از مصادیق غیر منقول به واسطه عمل بر شمرده است.

- استاد بزرگ ما، مرحوم دکتر کاتوزیان، مصادیق غیر منقول به واسطه عمل را در ماده ۱۳ ق.م. به جهت تبعیت از وصف زمین، غیر منقول تبعی نامیده‌اند. (دکتر کاتوزیان - قانون منی در نظم - ص ۳۶)

البته احتمالاً مقصود ایشان از غیر منقول تبعی، «غیر منقول تبعی» اصطلاحی ماده ۱۸ ق.م نیست، زیرا «غیر منقول تبعی مُصطلح» صرفاً همان «حقوق و دعاوی راجع به غیر منقول» است که به صراحت در ماده مذکور «تابع غیر منقول» دانسته شده است. ولذا در سنجش‌های حقوقی مقصود از غیر منقول تبعی، فقط همان مصادیق ماده ۱۸ ق.م است که شرح آن در جای خود خواهد آمد.- به اموالی که قبلاً منقول بوده و به واسطه عمل غیر منقول شده‌اند و اکنون به شرط تبدیل شدن به همان منقول (بازگشت به وصف قبلی منقول بودن) مورد معامله قرار می‌گیرند اصطلاحاً اموال «پیشاپیش منقول» گفته می‌شود. این اموال که در حال حاضر غیر منقول به واسطه عمل هستند در رابطه قراردادی اشخاص، در نقش موضوع منقول، به شمار می‌آیند.

**مثال ساده:** خرید میوه درختان به شرط چیده شدن یا خرید در و پنجره ساختمان به شرط جدا شدن، همگی جزء اموال «پیشاپیش منقول» محسوب می‌شوند که در روابط قراردادی طرفین، منقول محسوب می‌شوند با وجود این که فی‌الحال غیر منقول به واسطه عمل هستند.

**ماده ۱۴ -** آینه و پرده نقاشی و مجسمه و امثال آنها، در صورتی که در بنا یا زمین به کار رفته باشد، به طوری که نقل آن موجب نقص یا خرابی خود آن یا محل آن بشود، غیر منقول است.

**ماده ۱۵ -** ثمره و حاصل، مادام که چیده یا درو نشده است، غیر منقول است. اگر قسمتی از آن چیده یا درو شده باشد تنها آن قسمت، منقول است.

**ماده ۱۶ -** مطلق اشجار و شاخه‌های آن و نهال و قلمه، مادام که بریده یا کنده نشده است، غیر منقول است.

در نظم تطبیقی با قوانین خاص	<p>نظریه شماره ۱۳۸۰/۴/۹-۷/۲۷۰۸</p> <p>تلفن اعم از ثابت و سیار چون نقل و انتقال مستلزم خرابی نیست منقول است.</p> <p>نظریه شماره ۱۳۵۹/۷/۸-۷/۳۹۴۳</p> <p>قطعات پیش ساخته ساختمان قبل از نصب در ساختمان منقول هستند.</p> <p>نظریه شماره ۱۳۶۰/۱۰/۶-۷/۴۵۵۲</p> <p>مال الاجاره و سهام شرکت‌ها از جمله اموال منقول است.</p>
-----------------------------	---

- قانونگذار در (ماده ۱۱ ق.م) دو قسم کلی اموال «منقول و غیرمنقول» را بیان و در (ماده ۱۲ ق.م) «غیرمنقول ذاتی و به واسطه عمل» را تفکیک و در (ماده ۱۳ ق.م) مصادیق آن‌ها را بیان نمود. حال در (مواد ۱۴ تا ۱۶ ق.م) در مقام بیان مصادیقی برای اموال «غیرمنقول به واسطه عمل» است؛ از ماده (۱۴ ق.م) و قسمت اخیر ماده (۱۲ ق.م) فهمیده می‌شود اموال منقولی که به واسطه عمل انسان غیرمنقول می‌گردند دارای سه شرطند:

اول - ذاتاً منقول باشد.

دوم - در زمین یا ساختمان به کار رفته باشد.

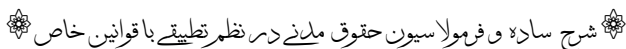
سوم - هرگاه بخواهند آن مال را از زمین یا ساختمان جدا نمایند خراب یا ناقص گردد و یا نقص و خرابی در محل آن پیدا بشود. (دکتر امامی - سید حسن - حقوق مدنی - جلد ۱ - ص ۳۹)

**مثال ساده:** درختان، شاخه‌های آن، میوه‌های چیده نشده آن و آینه، کاشی و سرامیک

که در بنا به کار رفته‌اند همگی غیرمنقول به واسطه عمل انسان محسوب می‌شوند.

- استاد بزرگ ما، همانند ماده ۱۳ ق.م، ذیل ماده ۱۶ ق.م نیز به درستی از جهت تبعی بودن وصف غیرمنقول برای ثمره درختان، آن‌ها را ظاهراً غیرمنقول تبعی دانسته‌اند، که البته مقصود ایشان تابعیت از درخت و زمین است و نه «غیرمنقول تبعی» اصطلاحی که طبق ماده ۱۸ ق.م منحصر به «حقوق و دعاوی تابع غیرمنقول» است و در سنجش‌ها ملاک می‌باشد. (دکتر کاتوزیان - نظم کنونی - ص ۳۷)
- در حال حاضر اموال منقولی که به واسطه عمل انسان تبدیل به غیرمنقول می‌شوند، ممکن است به واسطه عمل ماشین‌های عظیم و ربات‌های هوشمند تبدیل به غیرمنقول شوند. کما این که در صنعت ساختمان سازی و یا در صنعت کشاورزی برای کاشت درخت به صورت اتوماتیک عمل می‌کنند، لذا به نظر می‌رسد بهتر باشد به جای عبارت غیرمنقول به «واسطه عمل انسان»، یا از عبارت مطلق "غیرمنقول به واسطه عمل" استفاده کنیم یا از عبارت "غیرمنقول به واسطه عمل شخص".

**ماده ۱۷ -** حیوانات و اشیایی که مالک، آن را برای عمل زراعت اختصاص داده باشد، از قبیل گاو و گاو میش و ماشین و اسباب و ادوات زراعت و تخم و غیره و به طور کلی هر مال منقول که برای استفاده از عمل زراعت لازم و مالک آن را به این امر تخصیص داده باشد، از جهت صلاحیت محاکم و توقیف اموال جزو ملک محسوب و در حکم مال غیرمنقول است و همچنین است تلمبه و گاو و یا حیوان دیگری که برای آبیاری زراعت یا خانه و باغ اختصاص داده شده است.



شرح ساده و فرمولاسیون حقوق مدنه در نظر تطبیقی با قوانین خاص

- برای اینکه مال منقولی را «غیرمنقول حکمی» بدانیم لازم است:
  - ◀ **اولاً؛** مالک زمین و اشیاء یا حیوانات واحد باشند.
  - ◀ **ثانیاً؛** اشیاء یا حیوانات برای عمل زراعت لازم بوده و مالک آنها را به کار زراعت یا آبیاری اختصاص داده باشد. پس تراکتوری که برای مُسَطَّح کردن راه‌ها به کار می‌رود و گاه نیز زمین را به منظور زراعت شیار می‌کند در حکم غیرمنقول نیست.

(دکتر کاتوزیان - اموال و مالکیت - ش ۴۷ و ۴۸)

- حکم ماده ۱۷ ق.م. جنبه استثنایی دارد یعنی:
  - ◀ **اولاً؛** نمی‌توان به یاری قیاس درباره ادوات صنعتی و تجاری نیز اجرا کرد و آنها همچنان منقول هستند.
  - (دکتر کاتوزیان - اموال و مالکیت - ش ۴۸)
  - (دکتر حسن امامی - حقوق مدنی - جلد ۱ - ص ۴۱)
  - ◀ **ثانیاً؛** اموال منقول اعم از اشیاء و حیوانات اختصاص داده شده به زراعت یا آبیاری صرفاً از حیث "صلاحیت محاکم و توقیف اموال" در حکم غیرمنقول هستند.

(دکتر کاتوزیان - همان - ش ۴۷)

- به موجب ماده ۱۰۳ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶، توقیف مال غیرمنقول موجب توقیف منافع آن نمی‌گردد، چرا که اساساً خود مال غیرمنقول توقیف فیزیکی نمی‌شود بلکه مقصود از توقیف آن، توقیف اسنادی و حقوقی است، یعنی از نقل و انتقال آن جلوگیری می‌شود، لذا از آنجایی که غیرمنقول‌های حکمی از حیث توقیف اموال در حکم غیرمنقول هستند به نظر می‌رسد پس از توقیف آنها، مالک همچنان بتواند از منافع آنها استفاده نماید.

**ماده ۱۸ -** حق انتفاع از اشیای غیرمنقوله مثل حق عمری و سُکنی و همچنین حق ارتفاع نسبت به ملک غیر از قبیل حق العبور و حق المَجری و دعاوی راجعه به اموال غیرمنقوله از قبیل تقاضای خلع ید و امثال آن، تابع اموال غیرمنقول است.

<p><b>رأی وحدت رویه شماره ۳۱- ۱۳۶۳/۹/۵</b></p> <p>دعاوی مربوط به اجرت‌المثل ملک و خسارات وارده بر املاک، غیرمنقول است و دعاوی مربوط به اجرت‌المسمی ملک، منقول محسوب می‌شود.</p> <p><b>رأی اصراری شماره ۱۷۲۱- ۱۳۳۱/۱۱/۱</b></p> <p>تولیت یکی از حقوق ناشی از مال غیرمنقول است و بایستی در دادگاه حوزه وقوع مال غیرمنقول اقامه شود.</p>	<p><b>در نظم تطبیقی</b></p>
---	-----------------------------

- مقصود از «غیرمنقول تبعی» در قانون مدنی، تنها همین مصادیق ماده ۱۸ ق.م می باشد، یعنی «حقوق و دعاوی راجع به اموال غیرمنقول» که تابع غیرمنقول بوده و «غیرمنقول تبعی» به شمار می آیند. سایر غیرمنقول های تبعی که برخی از بزرگان حقوق فرموده اند، مُسامحه در تعبیر بوده و غیرمنقول تبعی اصطلاحی که همیشه در سنجش های حقوقی محل سؤال است، تنها همان موارد حصری ماده ۱۸ ق.م می باشد.
- علی الاصول «حقوق و دعاوی» اساساً از حیث منقول یا غیرمنقول بودن تابع موضوعشان هستند؛  
| < حقوق و دعاوی راجع به یک «ماشین»، «منقول» محسوب می شوند.  
| < حقوق و دعاوی راجع به یک «خانه»، «غیرمنقول تبعی» به شمار می آیند.
- از آنجایی که «حقوق» اعم اند از «حقوق عینی» (مثل حق مالکیت، حق انتفاع، حق ارتفاق، حق تحجیر، حق شفعه، حق وثیقه) و «حقوق دینی» (مثل قرض، ثمن مبیع، مال الاجاره عین مستاجر)، آنچه که مشمول ماده ۱۸ ق.م می شود و حسب موضوع منقول یا غیرمنقول به شمار می آید صرفاً «حق عینی» است زیرا «حق دینی» مشمول ماده ۲۰ ق.م بوده و به هر حال در حکم منقول است حال چه موضوعش منقول باشد و چه موضوعش غیرمنقول باشد.
- دعاوی که موضوع آن تملک مال غیرمنقول است، مانند دعوای فسخ، بطلان و عدم نفوذ معاملات اموال غیرمنقول، تابع غیرمنقول به شمار می آید. برعکس، دعاوی مربوط به مطالبه دیون مثل دعوای مطالبه اجاره بهای ملک توسط موجر و یا مطالبه ثمن مال غیرمنقول توسط فروشنده، منقول محسوب می شود اگرچه دیون ناشی از مال غیرمنقول است.

(دکتر کاتوزیان- اموال و مالکیت- ش ۵۳)

## فصل دوم - در اموال منقوله

**ماده ۱۹ -** اشیایی که نقل آن از محلی به محل دیگر ممکن باشد، بدون اینکه به خود یا محل آن خرابی وارد آید منقول است.

**مثال ساده؛** خوردرو، کیف، کفش، ساعت اعم از اینکه ساعت رومیزی باشد و یا دیواری، قاب عکس، اسکناس، اسناد تجاری از قبیل برات، سفته و چک در وجه حامل همگی منقول هستند.

**ماده ۲۰ -** کلیه دیون از قبیل قرض و ثمن مبیع و مال الاجاره عین مستأجره، از حیث صلاحیت محاکم در حکم منقول است ولو اینکه مبیع یا عین مستأجره از اموال غیر منقوله باشد.

**مثال ساده؛** اصولاً هر دین و بدهی مثل بازپرداخت قرض در عقد قرض و یا رد ثمن در عقد بیع، منقول حکمی به شمار می آیند.

در نظم تطبیقی با قوانین خاص	<p><b>رای وحدت رویه شماره ۳۱-۱۳۶۳/۹/۵</b> دعوی مطالبه وجوه مربوط به غیر منقول ناشی از عقود و قراردادها از حیث صلاحیت محاکم در حکم منقول است.</p> <p><b>رای وحدت رویه شماره ۲۰۸</b> دعوی مطالبه مهریه از جمله دعاوی مربوط به دیون و جزء اموال منقول است.</p> <p><b>نظریه نشست قضایی شماره ۳۰۹-۱۳۶۷/۹/۳</b> حق کسب و پیشه و تجارت در حکم اموال منقول است.</p> <p><b>نظریه اداره حقوقی شماره ۷/۳۵۵۴۷-۱۳۷۳/۵/۲۴</b> امتیاز تلفن در حکم مال منقول است.</p>
-----------------------------	---

• برخلاف قید حصری ماده ۱۷ ق.م که اموال را "از جهت صلاحیت محاکم و توقیف اموال" در حکم غیر منقول می دانست، قید "از حیث صلاحیت محاکم" در ماده ۲۰ ق.م قید حصری نیست بلکه یک قید توضیحی است و به نوعی کلیه دیون را از «هر جهت» در حکم منقول می داند، خصوصاً از جهت صلاحیت محاکم.

• ماده ۲۰ ق.م مطلقاً مقرر می دارد؛ «کلیه دیون» در «حکم منقول» است. اما به تعبیر استاد بزرگ دکتر کاتوزیان، نباید به این اطلاق اعتماد کرد؛ زیرا برخی دیون هستند که علی رغم دین بودن، به جهت این که موضوع مستقیمشان «غیر منقول» است، «غیر منقول» به شمار می آیند زیرا بدون ارزیابی آن غیر منقول، نمی توان آن دیون را به طور منجز مشخص کرد. از جمله «دیونی» که

«غیر منقول» به شمار می آیند می توان به موارد ذیل اشاره کرد:  
\* خسارات راجع به مال غیر منقول. \* أُجرت المثل راجع به مال غیر منقول.  
\* تعهد به انتقال مال غیر منقول. \* تعهد به تسلیم مال غیر منقول.

غیر منقول تبعی	=	۱) خسارات + أُجرت المثل + تعهد به انتقال و تسلیم ← راجع به غیر منقول
منقول حکمی	=	۲) خسارات + أُجرت المثل + تعهد به انتقال و تسلیم ← راجع به منقول

• مصداق تعهد به انتقال یا تعهد به تسلیم مال غیر منقول، دعوی «الزام به تنظیم سند رسمی» یک ملک ثبت شده است.

• حق شرکاء که در قالب سهام است، در شرکت های تجاری که دارای شخصیت حقوقی مستقل هستند، منقول به شمار می آیند، (برخلاف شرکت های مدنی که حق شریک یک حق عینی است) و همچنین حقوق معنوی اشخاص مانند حق تألیف، حق اختراع و مالکیت های صنعتی و تجارتي منقول محسوب می شوند ولی در مورد سرقتی باید گفت حقی مخلوط از منقول و غیر منقول است که چهره غیر منقول آن غلبه دارد. (غیر منقول تبعی) (دکتر کاتوزیان- اموال و مالکیت- شماره ۵۹ الی ۶۱)

**ماده ۲۱-** انواع کشتی های کوچک و بزرگ و قایق ها و آسیاها و حمام هایی که در روی رودخانه و دریاها ساخته می شود و می توان آن ها را حرکت داد و کلیه کارخانه هایی که نظر به طرز ساختمان، جزو بنای عمارتی نباشد، داخل در منقولات است ولی توقیف بعضی از اشیای مزبوره ممکن است نظر به اهمیت آنها موافق ترتیبات خاصه به عمل آید.

**مثال ساده؛** کشتی، قایق، آسیا و... منقول ذاتی به شمار می آیند.

**ماده ۲۲-** مصالح بنایی از قبیل سنگ و آجر و غیره که برای بنایی تهیه شده یا به واسطه خرابی از بنا جدا شده باشد مادامی که در بنا به کار نرفته، داخل منقول است.

در نظام قضایی	نظریه شماره ۷/۳۹۴۳-۱۳۵۹/۷/۸
	قطعات پیش ساخته ساختمان قبل از نصب در ساختمان، از مصالح ساختمانی بوده و به صراحت ماده ۲۲ قانون مدنی ایران از اموال منقول محسوب می شود.

• هر چند به موجب ماده ۲۱ قانون مدنی، کشتی ها مال منقول محسوب می شوند اما به لحاظ اهمیت موضوع، قواعد خاصی راجع به تابعیت، ثبت، معاملات آن و نحوه فروش آن جهت پرداخت دیون مالک و مواردی از این قبیل در قانون دریایی پیش بینی شده است. (دکتر صفایی- اشخاص و اموال- ص ۱۵۵)

شرح ساده و فرمولاسیون حقوق مدنه در نظر تطبیقی با قوانین خاص ❁

#### منقول ذاتی (ماده ۱۹ ق.م)

اشیایی که نقل آن از محلی به محل دیگر ممکن باشد بدون این که به خود یا محل آن خرابی وارد آید، منقول است.

#### منقول حکمی (ماده ۲۰ ق.م)

کلیه دیون، در حکم منقول است ولو این که راجع به اموال غیر منقوله باشد.

#### داخل در منقول ذاتی (ماده ۲۱ ق.م)

انواع کشتی‌ها، قایق‌ها و آسیاها و حمام‌هایی که در روی رودخانه و دریاها ساخته می‌شود و می‌توان آن‌ها را حرکت داد و کلیه کارخانه‌هایی که نظر به طرز ساختمان، جزو بنای عمارتی نباشد داخل در منقولات است.

#### داخل در منقول ذاتی (ماده ۲۲ ق.م)

مصالح بنایی، که برای بنایی تهیه شده یا به واسطه خرابی از بنا جدا شده باشد مادامی که در بنا به کار نرفته، داخل منقول است.

جمع بندی تطبیقی اقسام مال منقول

جمع بندی تطبیقی اقسام مال منقول و غیر منقول از نظر قانون مدنی (مواد ۱۲ تا ۲۲ قانون مدنی)

جمع بندی تطبیقی اقسام مال غیر منقول

#### غیر منقول ذاتی + غیر منقول به واسطه عمل (ماده ۱۲ ق.م)

مال غیر منقول آن است که از محلی به محل دیگر نتوان نقل نمود، اعم از این که استقرار آن «ذاتی» باشد یا به «واسطه عمل انسان»، به نحوی که نقل آن مستلزم خرابی یا نقص خود مال یا محل آن شود.

#### غیر منقول ذاتی + غیر منقول به واسطه عمل (ماده ۱۳ ق.م)

اراضی (ذاتی) و ابنیه و آسیا و هر چه که در بنا منصوب و عرفاً جزء بنا محسوب می‌شود، غیر منقول است و همچنین است لوله‌ها که برای جریان آب یا مقاصد دیگر در زمین یا بنا کشیده شده باشد.

#### غیر منقول به واسطه عمل (ماده ۱۴ ق.م)

آینه و پرده‌ی نقاشی و مجسمه و امثال آن‌ها، در صورتی که در بنا یا زمین به کار رفته باشد، به طوری که نقل آن موجب نقص یا خرابی خود آن یا محل آن بشود، غیر منقول است.

#### غیر منقول به واسطه عمل (ماده ۱۵ ق.م)

ثمره و حاصل، مادام که چیده یا درو نشده است غیر منقول است.

#### غیر منقول به واسطه عمل (ماده ۱۶ ق.م)

مطلق اشجار مادام که بریده یا کنده نشده است، غیر منقول است.

#### غیر منقول حکمی (ماده ۱۷ ق.م)

حیوانات و اشیایی که مالک آن را برای عمل زراعت اختصاص داده باشد و به طور کلی هر مال منقول که برای استفاده از عمل زراعت، لازم و مالک آن را به این امر تخصیص داده باشد، از جهت صلاحیت محاکم و توقیف اموال، جزو ملک محسوب و در حکم مال غیر منقول است.

#### غیر منقول تبعی (ماده ۱۸ ق.م)

حق انتفاع از اشیای غیر منقول و همچنین حق ارتفاق نسبت به ملک غیر و دعاوی راجعه به اموال غیر منقوله، تابع اموال غیر منقول است.